

استخاره
در
پرتو رهنمودهای پیامبر ﷺ

مؤلف:

سمیر محمد رزق

مترجم:

عبدالغنی براهویی

بسم الله الرحمن الرحيم

«اللهم رضی بقضائك وبارک لی فی قدرک حتی لا أحب تعجیل شیءٍ أخرته ولا تأخیر شیءٍ عجلته ولا تبعث بدینی فی طلب ما لم تقدره علی»^(۱)

«بار الها! مرا به قضایات خشنود گردان و تقدیرات را برایم مبارک و میمون قرار ده تا تعجیل چیزی را که برایم (به خاطر حکمت و مصلحتی که خودت می دانی) به تأخیر انداخته‌ای، دوست نداشته باشم. همچنین تأخیر چیزی را که برایم معجل کرده‌ای دوست نداشته باشم، نیز جسمم را در طلب چیزی که آن را برایم مقدر نکرده‌ای به حرکت درنیاور.»

(۱) - نیایش فوق منسوب به حضرت عمر بن عبدالعزیز رضی الله عنه است.

فهرست مطالب

ش	موضوع	صفحه
۱	سخن مترجم	۵
۲	تقریظ شیخ ابوبکر حنبلی	۶
۳	مقدمه‌ی مؤلف	۸
۴	استخاره، بستری برکت‌خیز	۱۲
۵	استخاره چیست؟	۱۵
۶	استخاره، نشان اعتماد به خدا	۱۵
۷	پیوند استخاره با یکتاپرستی	۱۷
۸	تجرد در زمان استخاره	۲۲
۹	پاره‌ای از آداب و شرایط قبولی دعا	۲۴
۱۰	یقین و حضور قلب	۳۰
۱۱	زمان اجابت دعا	۳۱
۱۲	آیا دعای استخاره هفت بار تکرار می‌شود؟	۳۲
۱۳	دعای استخاره در نماز است یا پس از آن؟	۳۴
۱۴	دعای استخاره	۳۶
۱۵	حکم استخاره و زمان شروع آن	۳۹
۱۶	اوقات ممنوع نماز	۴۰
۱۷	نمونه‌هایی از استخاره‌ی ممنوع	۴۱
۱۸	استخاره‌ی خواب	۴۱
۱۹	استخاره با تسبیح (فال گرفتن با تسبیح)	۴۳
۲۰	استخاره با فال، مهره و کف‌بینی	۴۳
۲۱	مشورت با عالمان	۴۷
۲۲	حکم مشورت	۴۹
۲۳	طرف مشورت چه کسی باشد	۵۰
۲۴	آنچه برای استخاره‌گر آشکار می‌شود	۵۲

۵۹	الهام و القا در قلب	۲۵
۶۱	امام مسجدي گمان می کند که شبانه با رسول خدا ﷺ کنفرانس مطبوعاتی برگزار می کند	۲۶
۶۹	بعد از استخاره چه باید کرد؟	۲۷
۷۰	پرسش و پاسخ	۲۸
۷۶	گلچینی از تشویق های پیامبر ﷺ در مورد دعا	۲۹
۷۹	پایان	۳۰
۸۱	دعا	۳۱
۸۲	منابع مؤلف	۳۲

سخن مترجم

از دیرباز برای تشخیص خوب باید بودن کاری که تصمیم به انجام آن گرفته شده، روش‌های خاصی به کار می‌رود، امروزه فال حافظ و فال قهوه و استخاره گرفتن با قرآن از شیوه‌های متداول در میان مردم است. بدیهی است که این شیوه‌ها نمی‌توانند سرنوشت ما را رقم بزنند و یا ما را نسبت به وضعیت تصمیمی که گرفته ایم و آگاه سازند.

بهترین شیوه‌ای که از پیامبر ﷺ در این خصوص به ثبوت رسیده، استخاره است. براساس احادیثی که از پیامبر ﷺ نقل شده، در این مورد نیز اتفاق خاصی نمی‌افتد و تنها کاری که بنده می‌کند، این است که از خداوند می‌خواهد در تصمیمی که گرفته او را به سمت خیر هدایت کند و اگر سرانجام تصمیم او به بدی ختم می‌شود، او را از این تصمیم باز دارد. چه خوب است به جای شیوه‌های خرافی استخاره، شیوه‌ای که هم خردمندانه است و هم با موازین دینی مطابقت دارد، در زندگی ما رایج شود. نوشتار کم حجم اما آموزنده‌ای که در پیش روی دارید با همین هدف ترجمه شده است؛ امید است قبول افتد، از کسانی که در تهیه و نشر آن همکاری داشته‌اند صمیمانه تشکر کنم.

«والله ولی التوفیق»

تقریظ شیخ ابوبکر حنبلی

الحمد لله غافر الذنب وقابل التوب، شديد العقاب، لا إله إلا هو إليه المصير، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، صلوات الله وسلامه عليه وعلى آله وصحبه و من والاه إلى يوم الدين. أما بعد:

برادر دینی ام جناب شیخ سمیر بن رزق از من خواست که نگاهی به تحقیق وی پیرامون **استخاره** بیندازم و آن را مرور کنم، من پیشنهاد وی را نشان فروتنی می‌دانم؛ چرا که تألیف نامبرده پیرامون «استخاره» نگاشته‌ای جالب و زیباست و تا جایی که اطلاع دارم تاکنون در باره‌ی استخاره کتابی مستقلی، نگاشته نشده است.^(۱)

کتاب مزبور، مشتمل بر مباحثی از قبیل: برحذر داشتن از رفتن نزد کاهنان، فال گیران، شعبده بازان، ساحران و... می‌باشد که خواننده را به توحید و یکتاپرستی تشویق می‌کند و از شرک و مظاهر آن برحذر می‌دارد، چنان نگاشته شده است که مخلوق را به آفریدگارش وصل می‌کند و به پیروی از سنت فرا می‌خواند، و از بدعت و مظاهر آن نیز برحذر می‌دارد.

به دعا و نیایش و شناخت اهمیت آن، ترغیب و تشویق کرده و جایگاه استخاره را نزد پیشینیان، صحابه و تابعین و دیگر نیکان ﷺ، تبیین و تشریح می‌کند.

نویسنده‌ی ارجمند، برای نگاشتن موضوع **استخاره** به صورت مستقل، همت گماشت. در ضمن معنا و مفهومی را که در بر گیرنده‌ی این آیه است، نیز تبیین کرده است:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ

دِينًا﴾ [مائده: ۳]^(۲).

(۱) - بعد از نوشتن این مقدمه از نوشته‌هایی پیرامون استخاره اطلاع یافتیم که متأسفانه نتوانسته بودند موضوع را به تفصیل شرح دهند.

(۲) - «امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تکمیل کردم و اسلام را به عنوان آیین برای شما برگزیدم».

نویسنده نیز افزوده است که دین و مفاهیم آن هرگز، با خواب و پیشگویی‌ها به دست نمی‌آید، بلکه از منابع اصلی و سرچشمه‌های زلال خویش (قرآن و سنت) حاصل می‌شود، نویسنده در ضمن بحث خود به نقاط خوب و ارزنده‌ای نیز اشاره کرده است.

در پایان می‌گوییم: خداوند به استاد سمیر بن رزق پاداش خوب و جزای خیر عنایت کند و خود و نوشته‌هایش را مایه‌ی خیر و استفاده‌ی عموم قرار دهد.

﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ ۚ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾

[یوسف: ۲۱].

«خداوند بر انجام هر کاری توانمند است، اما بیشتر مردم نمی‌دانند.»

مقدمه‌ی مؤلف

إن الحمد لله، نحمده ونستعينه ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا، ومن يهده الله فلا مضل له، ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله. أما بعد:

کتابی که هم اینک فرا روی شماست، نوشته‌ی فروتنانه‌ای است که برای برادران و خواهران ایمانی‌ام نگاشته‌ام تا فضیلت و فواید استخاره و پایندی به آن را برای آنان تبیین و تشریح کنم، افزون بر آن اهتمام پیشوا و سرورمان جناب رسول خدا ﷺ و مدارسه و مذاکره‌اش توسط آن حضرت ﷺ همانند آیات قرآن [چنانکه گویی سوره‌ای از آن است] بر اهمیت و فضیلت استخاره نیز می‌افزاید، آن هم در فضایی که همواره بر او وحی نازل می‌شد؛ وحی که نامش «فرقان» است و محتوایش هدایت و سعادت و امر و نهی الهی، با وجود آن، هیچگاه نفرمود هرگاه یکی از شما اراده‌ی انجام کاری کرد، نزد من بیاید؛ چون من پناه‌دهنده و کمک‌کننده هستم، یا: من به آسمان صعود می‌کنم و در محضر پروردگار حضور می‌یابم و تقدیر الهی را، آن طور که دلم می‌خواهد، دست کاری می‌کنم!! هرگز رسول خدا چنین نگفت؛ درست برخلاف آنچه برخی از صوفیان منحرف، مدعی اند و شعری در این مضمون به شیخ احمد رفاعی نسبت می‌دهند که می‌گوید:

من لاذ فينا اكنفى من غيرنا أبداً
وجاء في ركنا بالأمن من ندم
فالجأ بأعتاب عزّي والتمس مددي
وظف ببابي وقف مستمطراً نعمي
ولازم الدّل في بطحاء منزلنا
تنجُ بهمتنا من حالة العدم^(۱)

«هرکس به ما پناه آورد هرگز به غیر ما نیاز پیدا نمی‌کند و در کاروان ما از ندامت و پشیمانی در امان خواهد بود. پس به آستانه‌ی عزتم پناه آور و یاری‌ام را

(۱) - تهذيب الرفاعية، ص ۵۹.

بجوی و به درگاهم گشتی بزن و منتظر باران نعمت‌هایم باش و بر تو باد کرنش در منزلگه ما در بطحاء، چرا که به همت ما از وضعیت فقر و تنگدستی نجات پیدا خواهی کرد».

نمی‌دانم این گروه، چگونه نسبت باین سخن ناگوار و زشت و فرعون‌ی را به شیخشان گوارا دانستند، نمی‌دانم عقل‌شان کجاست!

پیامبر اکرم ﷺ که سرور انبیاء و اولیاست هرگز چنین ادعایی را به خود نسبت نداده است، بلکه چنین فرموده است:

«إِذَا هَمَّ أَحَدُكُمْ بِالْأَمْرِ فَلْيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ مِنْ غَيْرِ الْفَرِيضَةِ».

«هرگاه یکی از شما اراده‌ی انجام کاری را کرد، بایستی دو رکعت نفل بگذارد».

سپس چنین دعا کند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ».

«بار الها! من با علم تو از تو طلب خیر می‌کنم و با قدرت تو از تو طلب قدرت و توانمندی می‌کنم».

بنابراین، پیامبر خدا ﷺ بدین وسیله دل‌های مردم را به خالق و مدبر کارها و برآورده‌کننده‌ی نیازهایشان مرتبط می‌کرد.

مثلاً زمانی که عبدالله بن عباس رضی الله عنه پسر بچه‌ای بود، آن حضرت صلی الله علیه و آله او را اینگونه سفارش می‌کرد:

«يَا غُلَامُ، إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ».

«ای پسر! هرگاه چیزی خواستی از خداوند بخواه و هرگاه کمک خواستی از خداوند کمک بخواه».

استخاره عاملی بازدارنده از گمراهی و پناهگاه امنی از لغزش‌ها و انحرافات است؛ و از سنت‌هایی است که در عصمت، همزاد کتاب خدا است.

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

«تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَبَدًا، كِتَابَ اللَّهِ وَسُنَّتِي»^(۱).

«بعد از خودم بین شما دو چیز گذاشته‌ام؛ اگر به آن دو متمسک شوید و عمل کنید، هرگز گمراه نخواهید شد، آن دو چیز کتاب الله و سنتم است.»
آخر چگونگی گمراه می‌شود کسی که تکیه‌اش تنها به خداوند است، مددجویی‌اش تنها از خالق یکتا و توکل و اعتمادش بر خداوند توانا است، مگر خداوند نفرموده است:

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ [طلاق: ۳].

«هر کس بر خدا توکل کند [و کار و بار خود را بدو واگذارد]، پس وی، او را بسنده است.»

شایان ذکر است که نیاز مردم در این دوران به استخاره بیش از پیش است؛ چرا که دوران ما، دورانی سرشار از فتنه و فساد است، چنانکه انسان شکیبا و بردبار را نیز سرگردان و حیرت‌زده می‌کند؛ دورانی است که کشش‌های هوای نفس زیاد و آراء و نظرات، مختلف و متفاوت شده است، همت‌ها سست و تعهدات نقض شده است، حق با باطل جای عوض کرده و به جای هدایت ضلالت و گمراهی نشسته است، معروف لباس منکر به تن کرده، چنانکه معروف از منکر تشخیص داده نمی‌شود، دیگر برای کسی که می‌خواهد دینش را با چنگ و دندان حفظ کند چاره‌ای جز این نیست که به خدای صاحب امر و خلق متوجه شود و قلبش را تماماً به او بسپارد.

لذا برای انجام هر کار ارزنده‌ای نیاستی بدون عرض حال به پیشگاه خداوند و استخاره در باره‌ی آن، اقدام کند؛ چون تنها خداوند کافی و شافی است.

(۱) - شیخ آلبنی در کتاب التوسل حدیث فوق را با این الفاظ ذکر کرده است: «تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ وَسُنَّةَ نَبِيِّهِ» در پاورقی همان کتاب می‌گوید: حدیث را امام مالک به صورت مرسل روایت کرده است و حاکم از ابن عباس روایت کرده است، اسنادش حسن است و شاهی از حدیث جابر نیز دارد که در سلسله‌الاحیث الصیحة به شماره‌ی (۷۶۱) ذکر کرده‌ام.

﴿هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۗ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ﴾ [غافر: ۶۵].

«زنده‌ی جاوید او است، جز او خدایی وجود ندارد. پس او را به فریاد خوانید، و عبادت را خاص او بدانید، سپاس و ستایش خدایی را سزااست که پروردگار جهانیان است.»

استخاره، بستری برکت‌خیز

یکی از الطاف پروردگار بر بندگان این است که استخاره را از زبان پیامبرش برای آنان مشروع و آن را جایگزین عمل جاهلانه‌ی مشرکان کرده است. همچنین استخاره جایگزین عملی است که برخی از مسلمانان در جاهلیت کنونی مرتکب می‌شوند، چنین نقل شده است که هرگاه مشرکان تصمیم به مسافرت مهمی می‌گرفتند، یا اراده‌ی سفر تجاری یا قصد ازدواج می‌کردند، با تیرک‌ها (ازلام) که از سنگ یا اوراق ساخته شده بود، بخت آزمایی و طالع‌بینی می‌کردند و از آنها طلب خیر می‌کردند. مشرکان باور داشتند که آنها توان انتخاب خیر و شر را دارند؛ لذا خیر به اعتقاد آنان همان بود که آنها انتخاب می‌کردند. در حدیث هجرت از قول سراقه بن مالک، زمانی که در تعقیب رسول خدا ﷺ و ابوبکر رضی الله عنهما بود، آمده است که گفت: باتیرک‌ها آزمایی و طالع‌بینی کردم که آیا می‌توانم به آنان آسیبی برسانم یا نه، همان تیری بیرون آمد که برایم ناگوار بود؛ یعنی همان تیری بیرون آمد که نمی‌توانم به آنان ضرر و زبانی برسانم؛ چون سراقه قصد داشت آنان را دستگیر کند و جایزه‌ی ویژه‌ی قریش را در ازای تحویل آنان، دریافت کند.

این رخداد، پیش از مسلمان شدن او بوده است.

به تیرک‌هایی که با آنها بخت آزمایی و طالع‌بینی می‌کردند، در عربی «ازلام» گفته می‌شود، ابن جریر طبری می‌گوید: مردم در دوران جاهلیت برای تشخیص خیر و شر و شناخت نحس بودن یا نیک بودن کاری که قرار بود، انجام دهند؛ به سراغ سه تیرک می‌رفتند که روی یکی از آنها نوشته شده بود: «انجام بده» و روی دومی نوشته شده بود: «انجام مده» و بر سومی نوشته شده بود: «عُقُل» به چیزی گفته می‌شود که هیچگونه اثر و نشانی نداشته باشد، همچنین به کسی گفته می‌شود که در انجام امور هیچ تجربه‌ای نداشته باشد؛ به تعبیر دیگر «کودن».

وقتی که خورشید اسلام بر دنیا تابیدن گرفت، مردم را از انجام کارهای جاهلانه منع کرد و حرمت بخت آزمایی و طالع‌بینی با تیرها و... را در ردیف میگساری و قماربازی و بت‌پرستی قرار داد.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْحَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [مائده: ۹۰].

«ای مؤمنان! میخوارگی و قماربازی و بتان (سنگی و غیره که در کنار آنها قربانی می کنید) و تیرها (و سنگ‌ها و اوراقی که برای بخت آزمائی و غیبگویی به کار می برید، همه و همه از لحاظ معنوی) پلیدند (و ناشی از تزئین و تلقین) عمل شیطان هستند، پس از این کارهای پلید دوری کنید تا رستگار شوید.»

روش اسلام در تحریم چیزی یا بازداشتن از انجام امری، بدین شکل است که هرگاه چیزی را حرام اعلام کند، حتماً جایگزین شفافبخش و قانع کننده‌ای برای آن قرار می دهد، با این تفاوت که در عمل مشروع خیر و برکت بزرگی نهفته است و در عمل غیر مشروع و بدعت آمیز که انسان مرتکب آن می شود جز ضرر و زیان چیز دیگری وجود ندارد.

بنابراین، پیامبر خدا ﷺ همانطور که سخت علاقمند بود به یارانش سوره‌های قرآن را آموزش دهد، رغبت داشت که آنان استخاره را هم فرا گیرند و آن را در زندگی روزمره‌ی خویش مورد استفاده قرار دهند؛ چون استخاره نزد پیامبر ﷺ از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود و نیاز مسلمانان بدان، اهمیت آن را دوچندان می کرد.

حضرت جابر بن عبدالله رضی الله عنه می گوید: پیامبر خدا ﷺ در تمام امور و کارهای روزمره استخاره را همانند سوره‌ای از قرآن به ما آموزش می داد؛ در روایتی دیگر آمده است، همانطور که سوره‌ای از قرآن را به ما آموزش می داد، استخاره را نیز به ما آموزش می داد.

واقعاً جای بسی تأسف است که مسلمان قرن پانزدهم هجری قمری آن هم در عصر علم و دانش و روشنگری، دوران رشد و ترقی عقلانی بشر، از این نور درخشنده که رسول خدا ﷺ برای آنان به ارمغان آورده است، روی برتابند و بدان توجه و اعتنایی نکنند، عقل و خورد خویش را در راه بیهوده بکار گیرند و با رفتن نزد کاهنان و فال گیران و طالع بینان و جادوگران و... خود را به بدبختی و هلاکت بیندازند، از جن و مردگان استعانت و کمک بجویند و در صدد کشف و

شناخت امری برآیند که خداوند آن را حتی از پیامبرش نهان داشته است؛ چون دانستن غیب، صفتی از صفات خدای «علام الغیوب» است. در این خصوص خداوند به پیامبر امر کرده است که در حضور مردم چنین اعلان کند:

﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَنَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [اعراف: ۱۸۸].

«بگو: من مالک سودی و زیانی برای خود نیستم، مگر آن مقداری که خدا بخواهد و اگر غیب می دانستم، منافع فراوانی نصیب خود می کردم و اصلاً شر و بلا به من نمی رسید، من جز بیم دهنده و مژده دهنده مؤمنان نیستم.»

﴿قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ﴾ [انعام: ۵۰].

«ای پیغمبر بگو: من نمی گویم گنجینه های خداوند نزد من است، و من غیب نمی دانم و من به شما نمی گویم که من فرشته ام. من جز از آنچه که به من وحی می شود پیروی نمی کنم.»

بنابراین، کسی که توان و ظرفیت تصدیق آنچه را که رسول خدا ﷺ بیان می کند را نداشته باشد؛ استخاره و هر چیزی دیگر به او هرگز سودی نخواهد رساند؛ چون او مانند کسی است که از زمین تافته بر آتش پناه برد.

یا به قول شاعر: «كالعيس في البیداء يقتلها الظمأ ... والماء فوق ظهورها محمول»
آب در کوزه و ما تشنه لبان می گردیم = یار در خانه و ما گرد جهان می گردیم.

از خداوند مسئلت می کنیم که راه گم کرده ی ما را هدایت و آواره ی ما را باز گرداند و ما را به عیب هایمان آگاه و بینا کند و با فضل و لطف خویش به ما راه یافتگی الهام بخشد. آمین

استخاره چیست؟

استخاره عبارت است از طلب خیر کردن و برای بدست آوردن آن تلاش کردن. از باب استفعال به معنای خواستار شدن است. «الخیر، اسمی است از فعل «خار الله لك في هذا الأمر» خداوند در این امر برایت خواستار خیر شده است».

الاختیار: یعنی برگزیدن و گلچین کردن. می گویند: «استخر الله یخر لك» «از خداوند خواستار خیر شو که آن را برایت برمی گزیند» چون هرگاه بنده از خدا خیر طلب کند، آن را برایش فراهم می کند. در محاوره گفته می شود: «فلان خیری من الناس» «فلان کس دوست برگزیده ام است».

«استخار المتزل»؛ خواهان نظافت و پاکیزه شدن منزل شد.

«استخار الرجل الرجل»؛ از او خواهان عطوفت شد و او را به سوی خود فرا خواند^(۱).

استخاره در معنای اصطلاحی و شرعی خود، طلب خیر کردن از خداوند در کارهایی است که برای بندگانش مباح و حلال، ساخته است. روش آن بایستی به نحو و کیفیت هایی که سنت پیامبر ﷺ تعیین کرده است، منطبق باشد.

استخاره ۵. نشان اعتماد به خدا

استخاره به معنای اعتماد و ارتباط همیشگی انسان با خداوند است. و دل بستگی قلب وی بدانچه که نزد اوست، دل بستگی بنده ای که به قضا و قدر پروردگارش خشنود است و به حکم او مطمئن و در تمام امور توکل و اعتمادش به او و همیشه خویش را بر آستان فضل و لطف بی شمارش می بیند، این بنده همواره سخن زیبای پروردگارش را فرا روی خویش قرار می دهد:

﴿وَرَبُّكَ تَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ ۗ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ﴾ [قصص: ۶۸].

(۱) - ابن منظور، لسان العرب، ج ۲۱، ص ۱ - ۱۲.

«پروردگار تو هر چه را که بخواهد می آفریند، هر کس را بخواهد برمی گزیند، و مردمان (پس از صدور فرمان خدا در باره ی چیزی و کسی) حق انتخاب و اختیار ندارند...»

باز از خداوند آرزومند است که او را به راست ترین و زیباترین راه ها هدایت کند، چرا که چنین درخواستی از صفات سعادت‌مندان است.

امام محمد رحمته الله علیه از سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه روایت می کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: از علایم سعادت‌مندی انسان این است که در تمام کارهایش از خداوند طلب خیر کند و به قضا و قدر الهی خشنود باشد، و از علایم نگونبختی انسان این است که طلب خیر و استخاره را رها سازد و از قضاء و قدر پروردگارش ناخشنود و ناراضی باشد^(۱).

امام ابن قیم می گوید: بنگر که امر مقدر شده چگونه با دست آویز قراردادن دو چیز بدست می آید:

۱- توکلی که پیش از آن استخاره باشد.

۲- خشنودبودن بدانچه که خداوند پس از استخاره مقدر می کند؛ چرا که خشنودبودن به قضاء و قدر الهی عین سعادت‌مندی است.

در صورتی که استخاره توأم با توکل نباشد و همچنین پیش از توکل، استخاره ترک شود، یا بعد از آن نارضایتی و ناخشنودی از پروردگار وجود داشته باشد، نشان شقاوت و بدبختی خواهد بود؛ در دعا نیز می خوانیم: «وَأَسْأَلُكَ الرَّضَاءَ بَعْدَ الْقَضَاءِ» «بعد از وقوع قضاء از تو خشنودی می طلبم».

قضاء پیش از وقوع عزیمت است؛ اما زمانی که رخ داد، از دایره ی عزیمت خارج می شود؛ و رضا بعد از وقوع قضاء، حال و مقام است.

به طور خلاصه، مقصود این است که استخاره عبارت از توکل به خداوند و خویشتن را به او سپردن و با قدرت و دانش و حسن انتخاب او نسبت به بندگانش (که همیشه برای آنان خواهان خیر است) بخت آزمایی کردن است. قطعاً این امر

(۱) - حافظ ابن حجر حدیث فوق را حسن دانسته است. رک: فتح الباری، ج ۱۱، ص ۱۸۷. در

سند حدیث فوق محمد بن ابی حمید است که در روایت حدیث ضعیف است.

از مستلزمات پذیرش ربوبیت اوست، اگر انسان مسلمان چنین نباشد هرگز حلاوت ایمان را نخواهد چشید، و هر آنچه بعد از استخاره مقدر شود و انسان بدان خشنود گردد، نشان سعادت‌مندی اوست^(۱).

پیوند استخاره با یکتاپرستی

در استخاره بزرگ‌ترین مفاهیم و والاترین معانی توحید نهفته است. پیامبر خدا ﷺ به ما آموخته است که هیچگاه بدون پناه‌بردن به خدا، تصمیم به انجام کاری نگیریم و قبل از هر کاری بایستی با جدیت دعا کنیم، به امید آن که خداوند به علم خویش ما را به بهترین امور و درست‌ترین کارها رهنمون شود و بدی را با قدرت خویش از ما دور سازد و ما را از لغزش‌ها برهاند. به ما آموخته است که چگونه، همچون بنده‌ای کرنش‌گر و فروتن به خدای جلیل پناه بریم که آغاز این پناه‌بردن بایستی با نماز باشد، در نماز دروازه‌ی پادشاه و مالک الملک را بایستی پی در پی بزنیم تا باز شود و اجازه‌ی ورود داده شود.

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می‌گوید:

«إِنَّكَ مَا كُنْتَ فِي صَلَاةٍ فَإِنَّكَ تَقْرَعُ بَابَ الْمَلِكِ وَمَنْ يُكْثِرُ قَرَعَ بَابِ الْمَلِكِ يُوشِكُ أَنْ يَفْتَحَ لَهُ»^(۲).

«تا زمانی که در نماز هستی انگار بر دروازه‌ی پادشاه حلقه می‌زنی و هر کس که بیشتر حلقه بر در بزند، امید است که در، به روی او گشوده شود.»
آنگاه به بنده اجازه‌ی سخن گفتن داده می‌شود، او نیز خویشتن را خاضعانه به آستانه‌ی او خواهد انداخت، در همان حال بایستی خود را از کلیه‌ی توانمندی‌هایش برهاند و به حول و قوه‌ی الهی پناه برد.
زبان حالش چنین گوید:

(۱) - زاد المعاد، ج ۲، ص ۴۴۴.

(۲) - به روایت طبرانی، فی الکبیر و رجاله رجال الصحیح، مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۲۵۸.

«یا مالک الملک، یا عالم الغیب، یا من عودتني الکرّم، وأعطیني، واخترت لي قبل أن أسألك، لا تخذلني، وأنا أسألك، اللهم اختر لي فإني لا أحسن الاختيار، ودبر لي، فإني لا أحسن التدبير، وأهدني بعلمك إلى خيري الدنيا والآخرة یا علام الغیوب».

«ای مالک هستی، ای داندۀ غیب، ای کسی که مرا به کرم و بخشش خود مأنوس کردی، و هر آنچه را که از تو خواستم به من عطا کردی، و پیش از آن که از تو طلب کنم، برایم خیر انتخاب کردی؛ اکنون مرا رها مکن و تنهائیم مگذار، من فقط از تو می‌خواهم، بار الها! خیر را برای من برگزین، زیرا که انتخاب من خوب نیست و برای من تدبیر کن و برایم چاره‌ای ساز، چون من توان حسن تدبیر را ندارم؛ ای داندۀ غیب‌ها، با علم خود به خیر دنیا و آخرت راهنمایم کن».

شاعری شیرین سخن سروده است:

ألا في الصلاة الخير أجمع
لأنّ بها الرقاب لله تخضع
وأول فضل في شريعة ديننا
وآخر ما يبقي إذ الدين يرفع
فمن قام للتكبير لاقتنه رحمة
وكان كعبدٍ بابَ مولاہ يقرع
وكان لربّ العرش حين صلّاته
نجياً فيا طوبى له حين يخشع

«هان! در نماز خیر کاملی نهفته است، زیرا در آن گردن‌ها در برابر خدا فروتن می‌شوند، در شریعت ما نخستین فضیلت در نماز است و وقتی که دین از میان مردم برداشته شود، نماز واپسین چیزی است که می‌ماند، و هر کس که برای تکبیر برمی‌خیزد، رحمت‌های الهی به استقبالش خواهد آمد و چنین کسی به بنده‌ای می‌ماند که دروازه‌ی مولایش را مرتب می‌زند؛ و هنگام نمازش با صاحب عرش به گفت و گو می‌نشیند و خوشا به حال او وقتی که در برابر خدا خاشع و فروتن می‌شود».

در ضمن استخاره و انس گرفتن با آن، بنده یقین خواهد کرد که پروردگاری دارد که هرگاه از او بخواهد، به او عطا می‌کند؛ چون ذاتی است که هرکس او را فرا خواند، پاسخش می‌دهد و هرکس از او طلب یاری کند، کمکش می‌کند و هرکس بدو پناه برد، پناهِش می‌دهد.

هیچ چیز در زمین و آسمان از پروردگار تو نهان نمی‌ماند؛ چه ذره‌ای باشد و چه کوچک‌تر و یا بزرگ‌تر از آن، همه‌ی اینها در کتاب واضح و روشنی در نزد پروردگارتان به نام لوح محفوظ ثبت و ضبط می‌شود.

خداوند از زبان لقمان که فرزندش را موعظه می‌کند، می‌فرماید:

﴿يُنَبِّئُ إِيَّاهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ﴾ [لقمان: ۱۶].

«پسر عزیزم! اگر به اندازه‌ی سنگینی دانه‌ی خردلی (عمل نیک یا بد انجام گرفته) باشد و در دل سنگی، یا در آسمان‌ها و یا این که در میان زمین باشد، خدا آن را حاضر می‌آورد (و به حساب و کتاب آن رسیدگی خواهد کرد) چرا که خداوند بس دقیق و آگاه است.»

استخاره‌کننده می‌داند که خداوند دارای علم و قدرتی است که بر تمام اشیاء چیره است و هیچ چیزی آن را مغلوب نخواهد کرد.
خداوند می‌فرماید:

﴿وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۚ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ﴾ [انعام: ۱۸].

«او بر سر بندگان خود مسلط است و او حکیم است (و کارهایش را از روی حکمت انجام می‌دهد و از احوال و اوضاع) بس آگاه است.»

لذا بنده بر خدا توکل می‌کند و خود را بدون توجه و اعتماد به کسی دیگر، به او می‌سپارد.

خداوند می‌فرماید:

﴿فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾ [آل عمران: ۱۵۹].

«و هنگامی که تصمیم به انجام کاری گرفتی (پس از شور و تبادل آراء، قاطعانه دست به کار شو) و بر خدا توکل کن.»

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ [طلاق: ۳]^(۱).

«هر کس بر خدا توکل کند (و کار خود را بدو واگذارد) خداوند او را بسنده است.»

شاعر می گوید:

توکل علی الرحمن فی کل حاجة
أردت فإن الله یقضي ویقدر
إذا ما یُرد ذو العرش أمراً بعینه
یصبه، وما للعبد ما یتخیر
وقد یهلك الإنسان من وجه حذره
وینجو بحمد الله من حیث یحذر

«بر خدای رحمان برای بر آوردن هر نیازی که اراده کردی توکل کن، زیرا قضاء و قدر به دست اوست؛ خداوند هر گاه انجام امر معینی را اراده کند آن را انجام خواهد داد، ولی بدون اذن و اراده خداوند بنده نمی تواند برای خود چیزی را انتخاب کند؛ گاهی انسان از ناحیه ای بیم دارد و ممکن است هلاک شود، اما به لطف الهی از آن ناحیه ای که هراس دارد نجات می یابد.»

دیگری می گوید:

العبد ذو ضجر والرب ذو قدر
والدهر ذو دول والرزق مقسوم
والخیر أجمع فیما اختار خالقنا
وفي اختیار سواه اللوم والشوم

(۱) - این آیه در اصل متن نبود و به خاطر تناسبش با موضوع از سوی مترجم به آن افزوده شده است.

«بنده دارای غم و اندوه و آه و ناله است و خدا صاحب تقدیر است، و زمانه هم در حال گذر است و روزی نیز تقسیم شده است، و خیر و برکت کامل همان است که آفریدگار ما برای ما انتخاب کرده است، و در انتخاب دیگران، سرزنش و کیفر است.»

خداوند می‌فرماید:

﴿وَرَبُّكَ تَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [قصص: ۶۸].

«پروردگار تو هرچه را بخواهد می‌آفریند، و هر کس را بخواهد برمی‌گزیند، و مردمان (پس از صدور فرمان خدا در باره‌ی چیزی و کسی) حق انتخاب و اختیار ندارند، خداوند بسی منزّه‌تر و بالاتر از آن است که چیزی را انباز او کنند.»

خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ﴾ [احزاب: ۳۶].

«هیچ مرد و زن مؤمنی، در کاری که خدا و پیغمبرش داوری کرده باشند (و آن را مقرر کرده باشند) اختیاری از خود در آن ندارند.»

رسول اکرم ﷺ که سرور موحدان است، هرگاه برایش مشکلی پیش می‌آمد، بی‌درنگ به نماز روی می‌آورد و هرگاه در دعا اوج می‌گرفت چنین می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»^(۱).

(۱) - به روایت ابوداود و ابن حبان به شماره‌ی ۹۷۰، احمد، ج ۵، ص ۴۲، نسائی، حافظ ابن حجر در أمانی الأذکار، ج ۴، ص ۸، آن را حسن ذکر کرده است، هیشمی در مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۱۳۷.

«بار الها! به رحمت تو امیدوارم، لذا لحظه‌ای مرا به خودم وا مگذار و تمام حالات و امورم را برایم خوب و نیک گردان؛ چون هیچ معبودی [به حق] جز تو نیست».

و هنگام مصیبت می‌فرمود:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَرَبُّ الْأَرْضِ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ»^(۱).

«هیچ معبودی به حق جز خدای بزرگ و بردبار نیست، هیچ معبودی به حق جز خدا وجود ندارد، او پروردگار آسمان‌ها و زمین و آفریننده‌ی عرش بزرگ است».

تجرد در زمان استخاره

ادب استخاره اقتضا می‌کند که شخص استخاره‌کننده در زمان استخاره، خویشتن را از بند هوای نفس پاک کنند و مانند کسی که مشتاق به شناخت خیر است از پروردگارش طلب کند، بعد از آن که به انجام کاری معین تصمیم گرفته و عزم خودش را جزم کرده است، بایستی استخاره کند، چون در این صورت از خداوند می‌خواهد که با هوای نفس و آنچه مطابق میل او است، موافقت کند و رأی او را تأیید نماید و بر خواسته‌اش مهر تأیید بزند؛ زیرا او در این صورت مانند کسی است که نظر دوست یا خویشاوندش را در باره‌ی چیزی بخواهد و با او در مورد انجام یا ترک کاری، رایزنی و مشورت کند؛ در صورتی که قبلاً تصمیم خودش را برای انجام یا ترک آن کار گرفته است، ولی اکنون فقط به او اعلام می‌کند و بدین وسیله خودش را از سرزنش می‌رهاند و بس.

امام نووی رحمته الله علیه می‌گوید: «شایسته است که بعد از استخاره، آنچه را برایش انشراح صدر می‌شود انجام دهد»^(۲). لذا شایسته نیست با تکیه بر شرح صدری که

(۱) - به روایت بخاری، فتح الباری به شماره‌ی ۶۳۴۵، و مسلم به شماره‌ی ۲۷۳۰.

(۲) - شیخ کمال الدین محمد بن علی الزمלקانی متوفای سال ۷۷۱ هـ. ق. در طبقات الشافعیة الکبری ص ۲۰۶ می‌گوید: هرگاه انسان دو رکعت نماز به خاطر انجام کاری خواند، بعد از آن هرچه برایش پیش آمد، انجام دهد؛ چه انشراح صدر حاصل شود و چه حاصل نشود؛

پیش از استخاره بوده است و مطابق میل و خواسته‌ی نفس اوست، آن را انجام دهد، بلکه بجاست استخاره کننده انتخاب خودش را رها سازد؛ اگر چنین نکند به او استخاره کننده گفته نمی‌شود، بلکه می‌توان گفت که: در طلب خیر و در تبرا از علم و قدرت خود و اثبات آن دو برای خدا، صادق نبوده است؛ زیرا اگر در آن صادق می‌بود از حول و قوه و انتخاب خود براثت می‌جست و به حول و قوه‌ی الهی پناهنده و متوسل می‌شد»^(۱).

مکحوم می‌گوید: از ابن عمر رضی الله عنهما شنیدم که می‌فرمود: «انسان از خداوند طلب خیر می‌کند، خداوند هم برای او خیر را انتخاب می‌کند؛ اما اثر آن خیر، اگر اندکی با تأخیر نمایان می‌شود و انسان اظهار ناراحتی و ناخرسندی می‌کند، ولی دیری نمی‌پاید که حاصل آن را خیر می‌یابد».

عمر رضی الله عنه می‌فرماید: من از این نگران نیستم که به چه وضعیتی بامداد را آغاز کنم، طبق آنچه می‌پسندم یا آنچه که نمی‌پسندم؛ زیرا من نمی‌دانم خیر در آن است که من دوست دارم، یا در آن است که من دوست ندارم؛ هنگامی که از خداوند طلب خیر می‌کنم پس از آن نگران نیستم که آن کار صورت گیرد یا صورت نگیرد.

زیرا در آن خیر است، گرچه انشراح حاصل نشود؛ چرا که در حدیث چیزی در باره‌ی انشراح صدر نیامده است.

(۱) - فقه السنة، ج ۱، ص ۱۷۹.

پاره‌ای از آداب و شرایط قبولی دعا^(۱)

استخاره گونه‌ای دعاست، و قبولی آن نیز شرایط و آداب خاصی دارد؛ نخستین شرط آن این است که استخاره‌کننده تلاش کند از روزی حلال بخورد. در روایات زیادی آمده است، هرکس که خورد و نوش او از راه حرام به دست آمده باشد به دعای او توجهی نمی‌شود.

حضرت ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: هان! ای مردم! بدانید که خداوند پاک و پاکیزه است و جز پاکی و پاکیزگی چیزی دیگر را نمی‌پذیرد، خداوند مؤمنان را به همان چیزی فرمان داده است که پیامبران را بدان فرمان داده و فرموده است:

﴿يَتَأْتِيهَا الرُّسُلُ كُلُّوْا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَأَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾

[مؤمنون: ۵۱].

«ای پیغمبران! از چیزهای پاکیزه بخورید و کارهای شایسته دهید، بی‌گمان من از آنچه انجام می‌دهید آگاهم.»

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُّوْا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَأَشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ

كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ [بقره: ۱۷۲].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از چیزهای پاکیزه‌ای بخورید که روزی شما کرده ایم و سپاس خدای را بجا آورید، اگر او را پرستش می‌کنید.»

«سپس در باره‌ی کسی سخن گفت که به سفر طولانی رفته است و با سر و صورتی ژولیده و غبارآلود، دست به سوی آسمان بلند می‌کند و یا رب، یا رب می‌گوید؛ در حالی که خوراک، نوشیدنی‌اش و پوشاکش از حرام بوده است و اصلاً با حرام پرورش یافته است؛ پس چگونه دعایش قبول می‌شود!»^(۲).

(۱) - برای اطلاع بیشتر به کتاب نقش دعا و نیایش در زندگی انسان نوشته‌ی مترجم مراجعه شود.

(۲) - درجه‌ی حدیث حسن است و ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، احمد، بخاری آن را روایت کرده‌اند.

حافظ ابن رجب حنبلی می گوید: پیامبر خدا ﷺ در این حدیث به آداب دعا و اسبابی که باعث اجابت و یا مانع از اجابت دعا می شود، اشاره فرموده است؛ حضرت چهار عامل از عوامل اجابت دعا را در این حدیث بیان فرموده است: ۱- طولانی شدن سفر، چرا که سفر، خود جایگاه اجابت دعاست؛ در این باره ابوهریره رضی الله عنه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«ثَلَاثُ دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَاتٌ لَا شَكَّ فِيهِنَّ دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ وَدَعْوَةُ الْمُسَافِرِ وَدَعْوَةُ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ».

«سه گونه دعاست که حتماً مستجاب خواهد شد، و در اجابت آن هیچ شکی نیست، دعای مظلوم، دعای مسافر و دعای پدر در حق فرزندش».

پس هرگاه سفر طولانی شود، امکان اجابت دعا بیشتر خواهد شد؛ چرا که غربت طولانی و فاصله‌ی زیاد از خانواده، موجب دل شکستگی و تاب و تحمل دشواری‌ها و فشارهای بسیار می شود، دل شکستگی از بزرگترین عوامل اجابت دعاست. از این رو هرگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای نماز و دعای استسقاء بیرون می رفت، با حالتی فروتنانه و ژولیده و متواضعانه می رفت^(۱)، همچنین چادر خویش را از یک رو به روی دیگر برمی گرداند تا بدین وسیله نهایت فروتنی و کرنش خویش را در برابر پروردگارش به نمایش گزارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

«هَلْ تُنْصَرُونَ وَتُرْزَقُونَ إِلَّا بِضَعْفَائِكُمْ»^(۲).

«مگر غیر از این است که شما با ناتوانان و درماندگان تان یاری می شوید و

روزی داده می شوید»؟

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به ابوذر رضی الله عنه فرمود:

«وصل علی الجنائز لعل ذلك أن یحزنک، فإن الحزین فی ظل الله»^(۳).

(۱) - صحیح بن حبان (۲۸۶۲) حافظ ابن حجر در فتح الباری، ج ۱۱، ص ۱۴۳، آن را حسن دانسته است.

(۲) - بخاری، شماره‌ی (۲۶۲۲).

(۳) - احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۱۵۲. عرافی می گوید: سند حدیث جید است.

«ای ابوذر! بر جنازه‌ها نماز بگذار، شاید این کار تو را غمگین سازد، زیرا که انسان غمگین زیر سایه‌ی خداست».

خداوند فرموده است:

﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [آل عمران: ۱۲۳].

«خداوند شما را در بدر پیروز گردانید و حال آن که (نسبت به کافران) ناچیز (و از ساز و برگ اندکی برخوردار) بودید، پس از خدا بترسید تا شکر (نعمت او) را بتوانید به جای آورید».

خداوند در سوره‌ی انفال فرموده است:

﴿وَأذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَخَطَّفَكُمْ النَّاسُ فَفَاوَنَكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [انفال: ۲۶].

«ای مؤمنان! به یاد آورید هنگامی را که شما گروه اندک و ضعیفی در سرزمین (مکه) بودید و می‌ترسیدید که مردم شما را بربایند، ولی خدا شما را (در سرزمین مدینه) پناه داد و با کمک و یاری خود، شما را (در جنگ بدر پیروز گردانید و) نیرو بخشید و غنایم پاکیزه‌ای بهره‌ی شما کرد تا این که سپاسگزاری کنید».

بدینگونه، آن گروه اندک و تضعیف شده، به خاطر تواضع و فروتنی و دل‌شکستگی توانستند به عزت و نصرت و رزق و روزی درست یابند، لذا گفته شده است که: پوشش عزت و نصرت و بخشش‌ها، تنها شایسته‌ی فروتنان و دل‌شکستگان است. بی‌گمان گناهی که باعث خضوع و فروتنی انسان در برابر خدا شود، محبوب‌تر از طاعتی است که انسان را به ناز و کرشمه و تظاهر وادارد؛ چون شکست، نصیب کسی می‌شود که به طاعت خویش فخر فروشی و تظاهر کند، خداوند منان می‌فرماید:

﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمْ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وََلَّيْتُم مُّدَبِّرِينَ﴾ [توبه: ۲۵].

«خداوند شما را در موقع زیادی یاری کرد و (به سبب نیروی ایمان بر دشمنان پیروز گرداند و از جمله) در جنگ حنین که شما به کثرت خود و قلت دشمنان مغرور شدید و خداوند شما را در اوایل امر به خود رها کرد و دشمنان بر شما چیره شدند) بدانگاه که فزونی خودتان شما را به اعجاب انداخت (و فریفته و مغرور انبوهی لشکر شدید) ولی لشکریان فراوان اصلاً به کار شما نیامدند (و گره از کارتان نگشادند) و زمین با همه‌ی وسعت خویش بر شما تنگ شد و از آن پس پشت کردید و پای به فرار نهاید».

۲- عامل دوم: ژولیدگی شکل و ظاهر و با گرد و غبار آلوده شدن؛ این حالت نیز نشانه‌ی اجابت دعاست، چنانکه از رسول اکرم ﷺ نقل شده است: «رُبَّ أَشْعَثٍ أَغْبَرَ ذِي طَمْرِينٍ مَدْفُوعٍ بِالْأَبْوَابِ لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ لِأَبْرَهُ»^(۱). «چه بسا انسان ژولیده و غبارآلود و ژنده‌پوش و رانده‌شده از درها، اگر بر خداوند سوگند یاد کند، حتماً خداوند سوگندش را نافذ خواهد کرد».

۳- عامل سوم: دست‌ها را به سوی آسمان برافراشتن و بدینوسیله ابراز نیاز کردن که این عمل از آداب دعاست و باعث امیدواری اجابت آن می‌شود.

حضرت سلمان رضی الله عنه از رسول اکرم ﷺ نقل می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَيٌّ كَرِيمٌ يَسْتَحْيِي إِذَا رَفَعَ الرَّجُلُ إِلَيْهِ يَدَيْهِ أَنْ يَرُدَّهُمَا صِفْرًا خَائِبَتَيْنِ»^(۲).

«بی‌شک خداوند بسیار باحیا و بخشنده است، هرگاه بنده‌ای دست‌هایش را به سوی او دراز کند، شرمش می‌آید که آنها را دست خالی و ناکام برگرداند».

(۱) - مسلم (۲۶۲۲)؛ ابن حبان (۶۴۸۳).

(۲) - صحیح سنن ترمذی (۳۸۰۹)؛ ابوداود، امام احمد، ابن ماجه.

۴- عامل چهارم: پافشاری و تکرار ربوبیت پروردگار؛ این کار از بزرگترین عوامل اجابت دعاست و بهترین وسیله‌ای که می‌توان با آن به اجابت دعا رسید، اما این سخن پیامبر خدا ﷺ که می‌فرماید:

«فَأَنَّى يُسْتَجَابُ لِذَلِكَ» «پس چگونه دعایش قبول می‌شود!».

استفهام، از روی تعجب و بعید دانستن امر، واقع شده است؛ محال بودن اجابت دعا و ممنوعیت آن از این سخن به دست نمی‌آید، فقط این مسئله از آن برداشت می‌شود که زیاده‌روی در حرام و تغذیه از آن، از جمله موانع اجابت دعاست؛ چرا که دعای کافر و فاجر مظلوم گاهی قبول می‌شود، در روایت آمده است که خداوند دعای مظلوم را، گرچه کافر باشد، رد نمی‌کند.

وقتی که شیطان از خداوند درخواست کرد که او را مهلت دهد، خداوند دعایش را پذیرفت. در قرآن می‌فرماید:

﴿قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ﴿١٤﴾ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ﴿١٥﴾﴾

[اعراف: ۱۴-۱۵].

«(اهریمن) گفت: مرا تا روزی مهلت ده که (مردمان) برانگیخته می‌گردند؛ خداوند فرمود: تو از زمره‌ی مهلت‌یافتگانی.».

همچنین خداوند خبر داده است که حتی درخواست مشرکان برای رهایی از ضرر و گرفتاری، پذیرفته می‌شود. اما آنان بعد از رهایی دوباره از پروردگارشان رویگردان می‌شوند و به شرک‌شان باز می‌گردند. خداوند می‌فرماید:

﴿فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكَ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّوهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا

هُمْ يُشْرِكُونَ ﴿٦٥﴾ [عنكبوت: ۶۵].

«هنگامی که (مشرکان) سوار کشتی می‌شوند (و ترس و نگرانی بدیشان دست می‌دهد) خالصانه خدا را به فریاد می‌خوانند، سپس هنگامی که خدا آنان را نجات داد و سالم به خشکی رساند، باز ایشان شرک می‌ورزند.».

از این موارد در قرآن فراوان است.

در حدیث اشاره شده که زیاده روی در خوردن و نوشیدن و پوشاک و تغذیه از حرام، مانع اجابت دعا می شود و درهای آسمان را در برابر بنده می بندد. خداوند وهب بن منبه را مرحمت کند که چه زیبا فرموده است:

«مَنْ سَرَّهٗ أَنْ يَسْتَجِيبَ اللَّهُ لَهُ دَعْوَتَهُ فليطِب طعمته».

«هرکس که دوست دارد خداوند دعایش را قبول کند، پس باید تلاش کند که غذایش حلال و پاک باشد».

عبدالله بن عباس رضی الله عنهما می گوید: این آیه نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم تلاوت شد:

﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ كُلُّوْا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلٰلًا طَيِّبًا﴾ [بقره: ۱۶۸].

«ای مردم! از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است بخورید».

حضرت سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از خداوند بخواه که مرا مستجاب الدعاء قرار دهد؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای سعد! غذایت را پاکیزه و حلال گردان، آن وقت مستجاب الدعاء خواهی شد. قسم به ذاتی که جان محمد در دست اوست، یقیناً بنده ای که لقمه ای حرام را به درون شکم خود داخل می کند و با آن تغذیه می کند، تا چهل روز از او هیچ عملی پذیرفته نمی شود و بنده ای که گوشت از او راه حرام رشد کرده و پرورش یافته است، به آتش جهنم سزاوارتر است»^(۱).

بایستی به این نکته ی ظریف اندیشید که آدمی لقمه ای به شکمش فرو می برد [و می دانیم که در شک هیچ چیز پایدار نمی ماند و زود از آن خارج می شود] ولی از ثمره ی دعا و قبولی اعمالش محروم می شود، چه بسا یک لحظه شهوت پرستی، اندوهی طولانی را به بار خواهد آورد».

(۱) - ابن کثیر در تفسیر آیه ی ۱۶۸ از سوره ی بقره، آن را ذکر کرده است و هیچ توضیحی در باره اش نداده است، هیشمی در مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۲۹۱ ذکر کرده و افزوده است که طبرانی آن را در المعجم الصغیر روایت کرده است و در سندش کسی است که او را نمی شناسم.

یقین و حضور قلب

حضور قلب از شرایط قبولیت دعاست. عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می گوید: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

«الْقُلُوبُ أَوْعِيَّةٌ وَبَعْضُهَا أَوْعَى مِنْ بَعْضٍ فَإِذَا سَأَلْتُمُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَيُّهَا النَّاسُ فَاسْأَلُوهُ وَأَنْتُمْ مُوقِنُونَ بِالْإِجَابَةِ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَجِيبُ لِعَبْدٍ دَعَاهُ عَنْ ظَهْرِ قَلْبٍ غَافِلٍ»^(۱).

«قلب‌ها بسان ظروف هستند، برخی از برخی دیگر دریابنده‌تر و با ظرفیت‌ترند. ای مردم! هرگاه از خداوند چیزی طلب کردید، آن را در حالتی مسئلت کنید که به اجابت آن یقین دارید؛ زیرا خداوند دعای بنده‌ای را که با قلبی غافل درخواست کند، اجابت نمی‌کند.»

در حدیثی دیگر فرموده است:

«ادْعُوا اللَّهَ تَعَالَى وَأَنْتُمْ مُوقِنُونَ بِالْإِجَابَةِ، وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ مَنْ قَلْبٍ غَافِلٍ لَاهٍ»^(۲).

«از خداوند طلب کنید و او را به فریاد خوانید، در حالی که به اجابت خواسته‌تان یقین دارید و بدانید که خداوند دعایی را که از قلبی غافل و مشغول و پریشان برخاسته باشد، قبول نمی‌کند.»

(۱) - به روایت احمد، ج ۲، ص ۱۷۷؛ در سند حدیث عبدالله بن لهیعة است، اما حدیث با

شواهد، قابل قبول است. مترجم

(۲) - صحیح سنن ترمذی، شماره‌ی (۳۷۲۵)؛ سلسله الأحادیث الصحیحة (۲۵۹۴)؛ صحیح

الجامع الصغیر (۲۴۵).

زمان اجابت دعا

لازم است استخاره کننده یا دعا کننده، اوقاتی را برای دعا انتخاب کند که در آن احتمال اجابت بیشتر است، مانند ثلث اخیر شب، همان لحظه‌ای که خداوند سبحان در آن بر بندگان فریاد می‌زند و می‌فرماید:

«مَنْ يَدْعُونِي فَأَسْتَجِبَ لَهُ مَنْ يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيهِ مَنْ يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرَ لَهُ»^(۱).

«آیا کسی هست مرا فرا خواند تا خواسته‌ی او را اجابت کنم؟ و آیا کسی هست که از من سؤال کند تا به او عطا کنم؟ و آیا کسی هست که از من آمرزش بطلبد و من او را ببخشایم؟».

پیامبر خدا ﷺ فرموده است:

«صَلَاةُ اللَّيْلِ مَثْنَى، مَثْنَى وَجَوْفُ اللَّيْلِ الْآخِرُ أَحْوَبُ دَعْوَةً»^(۲).

«نماز شب دو رکعت دو رکعت است و بخش آخر شب، بهترین لحظه‌ی قبول دعاست».

همچنین از جمله اوقاتی که دعا در آن قبول می‌شود، فاصله‌ی بین اذان و اقامت است.

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

«الدُّعَاءُ لَا يَرُدُّ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ»^(۳).

«دعا در فاصله‌ی بین اذان و اقامت رد نمی‌شود».

علامه ابن قیم رحمته، آداب و اوقاتی را که دعا در آن قبول می‌شود به زیبایی بیان کرده است:

«دعا وقتی با حضور قلب بوده و قلب به کلی متوجه مطلوب باشد و با یکی از اوقات اجابت همزمان باشد، مثلاً ثلث اخیر شب، هنگام اذان، فاصله‌ی بین اذان و اقامه و در قسمت آخر نمازهای فرض، بعد از تشهد و پیش از اسلام؛ لحظه‌ی بالارفتن امام بر منبر در روز جمعه تا پایان نماز. همچنین آخرین ساعت بعد از

(۱) - بخاری، شماره‌ی (۶۳۲۱).

(۲) - آلبنی، سلسلة الاحادیث الصحیحة (۱۹۱۹).

(۳) - صحیح سنن ترمذی (۲۱۱۲) و صحیح سنن أبی داود (۵۴۳).

عصر روز جمعه، دعا در ضمن با خشوع همراه باشد و دعاکننده با فروتنی و تواضع و تضرع و رقت قلب در برابر پروردگار بایستد و رو به قبله و با وضو باشد، دست‌هایش را به سوی خدای عز و جل بلند کند و دعایش را با حمد و ثنای پروردگار آغاز کند، سپس درود و صلوات بر محمد ﷺ بفرستد و پیش از عرضه‌ی نیاز خویش، توبه و استغفار را مقدم کند و سپس متوجه خدا شود و با اصرار و خواهش از او مسئلت کند، در قلب رغبت و رهبت وجود داشته باشد، به اسمای حسنی و صفات عالی‌هی خداوند تمسک جسته و به توحید و یگانگی‌اش، توسل جوید و پیش از دعا صدقه‌ای تقدیم کند؛ چنین دعایی به طور یقین مستجاب خواهد شد»^(۱).

آیا دعای استخاره هفت بار تکرار می‌شود؟

روایتی صحیح در باره‌ی تکرار دعای استخاره، از پیامبر اکرم ﷺ به ما نرسیده است؛ در این باره تنها حدیث انس رضی الله عنه است که رسول خدا ﷺ به او فرمود: ای انس! هرگاه تصمیم گرفتی کاری انجام دهی، هفت بار از پروردگارت طلب خیر کن، سپس به آنچه که در قلبت پدیدار می‌شود، بنگر که بی‌شک خیر در همان است.

حافظ ابن حجر رحمته الله در فتح الباری می‌گوید: اگر صحت این روایت ثابت می‌شد، قطعاً در این باره حجت می‌بود؛ اما کاملاً بی‌اساس و مجهول است^(۲). درست آن است که انسان نمی‌تواند بگوید: تکرار دعای استخاره، سنت است، اگر هم مستحب نباشد، حد اقل مباح است؛ چرا که استخاره گونه‌ای دعاست و تکرار دعای نوعی اصرار و ورزیدن است و اصرار ورزیدن در دعای امری پسندیده و از سوی شارع بر آن تشویق و تأکید شده است. خداوند کسانی را که با اصرار و پافشاری دعا می‌کنند، دوست می‌دارد. اصرار ورزیدن بیانگر فروتنی و زبونی

(۱) - الجواب الکافی لمن سأل عن الدواء الشافی.

(۲) - رک: ابن حجر، فتح الباری، ج ۱۱، ص ۱۹۱.

عبودیت در برابر عزت ربوبیت است، آن هم بدون تعیین عدد به هفت، تا بدون دلیل شرعی، عدد مشخصی تعیین نشود.

در باره‌ی تکرار دعا از پیامبر خدا ﷺ روایت شده است که هرگاه دعا می‌کرد آن را سه بار تکرار می‌کرد.

امام بخاری رحمته الله در کتاب ارزشمند خویش بابتی به نام «باب تکریر الدعاء» دارد و از عایشه رضی الله عنها روایت می‌کند که گفت: پیامبر ﷺ سحری خورد و سپس دعا کرد و دعا کرد؛ یعنی دعا را تکرار کرد^(۱).

در روایت مسلم نیز آمده است: «فدعا ثم دعا ثم دعا»؛ یعنی سه بار دعا را تکرار کرد؛ باز در مسلم آمده است که، آن حضرت بر مشرکانی که قاریان (قراء) را به قتل رسانده بودند، یک ماه در قنوت نماز صبح دعا کرد، تا این آیه نازل شد:

﴿لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبُهُمْ فَأِنَّهُمْ ظَالِمُونَ

﴾ [آل عمران: ۱۲۸].

«چیزی از کار (بندگان در) دست تو نیست (بلکه همه‌ی امور در دست خداست، چون تنها اوست که) یا توبه‌ی آنان را می‌پذیرد یا ایشان را شکنجه می‌دهد، چرا که آنان ستمگرند».

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می‌گوید که: رسول اکرم ﷺ از این که دعا را سه بار تکرار کند و سه بار استغفار گوید، خوشش می‌آمد و از این کار خرسند می‌شد^(۲).

امام مسلم روایت می‌کند که عبدالله بن زبیر رضی الله عنه وقتی که خواست کعبه را تخریب و آن را براساس بنای ابراهیمی بازسازی کند، با همراهان خویش مشورت کرد. وقتی که با آنان در این خصوص به توافق نرسید، گفت: اگر خانه‌ی یکی از شما دچار آتش‌سوزی شود، تا دوباره آن را بازسازی نکند، آرام نمی‌گیرید، پس چطور این را برای خانه‌ی پروردگارتان می‌پسندید؛ لذا من سه بار از پروردگارم

(۱) - فتح الباری، ج ۱۱، ص ۱۹۶.

(۲) - ابوداود، شماره‌ی (۱۵۲۴)، کتاب الصلوة، باب الاستغفار. سندش حسن است.

طلب خیر می‌کنم (یعنی سه بار استخاره و دعا می‌کنم)، بعد از آن بر اجرای تصمیم خویش عزم را جزم می‌کنم. وقتی که سه بار استخاره تمام شد، تصمیم قطعی بر تخریب بیت گرفت^(۱).

عمل عبدالله بن زبیر رضی الله عنه دلالت بر جواز تکرار استخاره تا سه روز دارد؛ بویژه در مسایل مهمی همچون تخریب بیت. در حدیثی که پیش از پیامبر صلی الله علیه و آله گذشت که دعا را سه بار تکرار می‌کرد، دلیل آن است که می‌توان در یک وقت سه بار دعا را تکرار کرد.

این مطلب هم گذشت که آن حضرت بر یکی از قبایل عرب، یک ماه دعا را در قنوت نماز صبح تکرار می‌کرد^(۲). والله اعلم

دلایلی که در باره‌ی تکرار دعا تا سه مرتبه ذکر شد، دلایلی عمومی است که شامل استخاره و دعاهای دیگر می‌شود این سخن راوی نیز بر این دلالت می‌کند که او سه روز استخاره کرد.

باز اگر تکرار دعا بدعت می‌بود حتماً آن دسته از صحابه رضی الله عنهم که همراه او بودند، اعتراض می‌کردند.

دعای استخاره در نماز است یا پس از آن؟

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله کیفیتی مشخص در این مورد روایت نشده است که ما بدانیم دعای استخاره در نماز است یا پس از آن.

برای اثبات آن فقط حدیث امام بخاری است، این موضوع به چندین طرق روایت شده که اما قوی‌ترین آن، سند بخاری است.

از اینرو در باره‌ی مکان دعا اختلاف نظر پدید آمده است که آیا در داخل نماز است یا پس از نماز. به نظر ما درست‌تر آن است که بعد از فراغت از نماز دعا کند، به خاطر حرف «ثم» که در زبان عرب به معنای تأخیر و تراخی می‌آید؛ همانطور که علامه شوکانی در نیل الأوطار آن را بررسی کرده است.

(۱) - مختصر مسلم، ص ۲۰۲، شماره‌ی ۷۷۱.

(۲) - فتح الباری، ج ۱۱، ص ۱۹۷.

اما اگر در نماز یا بعد از فراغت آن، دعا کند هر دو صورت جایز است و مانع شرعی ندارد.

رسول خدا ﷺ هر گاه دعا می کرد، سه بار آن را تکرار می کرد. اگر استخاره کننده، دعای استخاره را در نماز و یا بعد از فراغت از نماز آن را تکرار کرد، از دیدگاه شریعت در این خصوص هیچ مانعی وجود ندارد.

از شیخ الإسلام، امام ابن تیمیہ رحمۃ اللہ علیہ، در باره دعای استخاره پرسیده شد که آیا در داخل نماز است یا بعد از سلام دادن؟ پاسخ داد: دعا در نماز، پیش از سلام و بعد از سلام جایز است؛ اما دعا پیش از سلام بوده است، نماز گزار قبل از سلام تا زمانی که از نماز انصراف نداده و نرفته و دعا کند بهتر است^(۱).

این سخن شیخ الإسلام که می گوید: «دعا پیش از سلام بهتر است» جای سؤال دارد؛ چرا که ثابت شده است رسول الله ﷺ در نماز، قبل از سلام و بعد از سلام، دعا می کرده است^(۲).

(۱) - مجموع الفتاوی، ج ۲۳، ص ۷۷.

(۲) - رک: فتح الباری، ج ۱۱، ص ۱۳۲؛ زاد المعاد، ج ۱، ص ۲۵۷.

دعای استخاره

[عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يُعَلِّمُنَا الْإِسْتِخَارَةَ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا كَالسُّورَةِ مِنْ الْقُرْآنِ يَقُولُ: «إِذَا هَمَّ بِالْأَمْرِ فَلْيَرْكَعْ رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ، اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي - أَوْ قَالَ فِي عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ - فَاقْدُرْهُ لِي وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي - أَوْ قَالَ فِي عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ - فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ، وَاقْدُرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ، ثُمَّ أَرْضِنِي بِهِ وَيُسَمَّى حَاجَتَهُ»^(۱).

حضرت جابر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می گوید: رسول خدا ﷺ استخاره را در تمام امور همانند سوره‌ای از قرآن به ما آموزش می داد و می فرمود: هرگاه کسی از شما تصمیم به انجام کاری گرفت، بایست دو رکعت نماز نفل (سنت) بگزارد، سپس چنین دعا کند: «بار الها! من با علم تو از تو خیر طلب می کنم، و با قدرت تو از تو طلب قدرت می کنم و از لطف بزرگ تو مسئلت می کنم؛ چون تو توانایی و من ناتوانم و تو می دانی و من نمی دانم و تو داننده‌ی غیب‌ها هستی. بار الها! اگر تو می دانی که این امر سبب خیر دین و دینا و عاقبت امرم می شود [یا بگوید: سبب خیر زود هنگام یا مایه‌ی خیر در آینده می شود] پس آن را برایم مقدر و میسر گردان. اگر می دانی که این امر سبب ضرر و زیان در دین و زندگی و عاقبت امرم می شود [یا بگوید: اگر سبب شر در امورم در حال حاضر یا در آینده می شود] پس لطف بفرما و آن را از من دور ساز و من را از آن دور کن و خیر را هر طور که باشد، برایم میسر گردان؛ سپس مرا به آن خوشنود گران. و [آنگاه] نیاز خویش را بیان کند».

استخاره از باب استفعال است؛ به معنی خواستار خیر شدن، یا از «الْخَيْرَةُ» گرفته شده و اسم مصدر است، مثل جمله «خار الله له أو استخار الله» یعنی از خداوند خیر خواستار شد. «خار الله له»؛ یعنی خداوند به او آنچه را که برایش مایه‌ی خیر بود عطا کرد، (منظور خواستار شدن است). بحث استخاره در حدیث

(۱) - صحیح بخاری، به نقل از: ابن حجر، فتح الباری: ج ۱۱، ص ۱۸۷، شماره ۶۳۸۲.

سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه نیز آمده است و آن را به صورت مرفوع روایت کرده است و می گوید: «مَنْ سَعَادَةٌ^(۱) ابْنِ آدَمَ اسْتِخَارَتُهُ اللَّهُ»^(۲). از سعادت آدمیزاد این است که از خداوند برای خود خیر طلب کند.

منظور از «فی الأمور کلها» در تمام امور چیست؟ ابن ابی جمره می گوید: این عبارت عام است و منظور از آن خاص می باشد؛ چرا که در انجام واجب و مستحب استخاره نمی شود و در ترک حرام و مکروه استخاره لازم نیست؛ پس مسئله منحصر به مباح می شود.

اگر دو مستحب با هم تعارض پیدا کردند که کدام یک را شروع کند و تنها به آن اکتفاء کند، در این حالت استخاره شامل آن مستحبی می شود که اختیاری باشد و زمانش نیز وسیع و گسترده باشد.

علامه شوکانی رحمته الله علیه می گوید: این سخن حضرت جابر رضی الله عنه که می گوید: «فی الأمور کلها» بر «عموم» دلالت می کند، چرا که انسان مسلمان امری را به خاطر کوچک بودن و کم اهمیت بودنش، کم ارزش حساب نمی کند و استخاره کردن در باره ی آن را رها نمی کند، چه بسا امری کم ارزش است و به چشم نمی آید، اما ممکن است در انجام آن زیان های بزرگی نهفته است.

چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «لَيْسَ أَلْحَدُكُمْ رَبُّهُ حَتَّى يَسْأَلَ شَيْعَ نَعْلِهِ» حتی بند کفش تان را از پروردگارتان مسئلت کنید، حضرت جابر رضی الله عنه نقل می کند: «كَالسُّورَةِ مِنَ الْقُرْآنِ» پیامبر همانند سوره ای از قرآن، استخاره را به ما آموزش می داد. طیبی می گوید: در این جمله اشاره است که به دعا و نماز توجه کامل و تمام شود. ابن ابی جمره می گوید: منظور از تشبیه استخاره به قرآن این است که حروف و ترتیب کلمات آن مراعات شود و نیز افزودن به آن و کاستن از آن ممنوع است و در محافظت آن بایستی توجه شود.

احتمال دارد تشبیه آن به قرآن، بدین خاطر باشد که هر دوی آنها از طریق وحی به دست آمده اند. «إِذَا هُمْ» این جمله اشاره به این نکته دارد که نخستین

(۱) - صحیح بخاری به نقل از: ابن حجر، فتح الباری، ج ۱۱، ص ۱۸۷، شماره ۶۳۸۲.

(۲) - امام احمد، سندش حسن است.

چیزی که به قلب انسان وارد می‌شود، لازم است در باره‌اش استخاره شود؛ چرا که به برکت نماز و دعا، جنبه‌ی خیر آن برایش نمایان می‌شود؛ برخلاف مسئله‌ای که نزد او قوت گرفته و عزم او هم در باره‌ی آن جزم شده است، زیرا دوستی و علاقه‌ی او به آن کار بیشتر می‌شود و ممکن است به خاطر میل و علاقه‌ی قلبی به آن، جنبه‌ی خیریت در آن مخفی مانده باشد.

احتمال دارد که منظور از «هم» عزیمت باشد؛ زیرا آنچه در دل می‌گذرد (خاطر) پایدار نمی‌ماند، تنها چیزی ثابت و پایدار می‌ماند که عزم بر انجامش جزم شده باشد، اگر چنین نبود، در ایجاد هر خاطری [بی‌ارزش] استخاره خواهد کرد و بدینگونه وقت خویش را تلف خواهد کرد؛ چنان که در حدیث عبدالله بن مسعود رضی الله عنه آمده است: «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَمْرًا فَلْيَقُلْ» «هرگاه یکی از شما تصمیم انجام کاری را گرفت باید بگوید».

«فَلْيَرْكِعْ رُكْعَتَيْنِ» این جمله‌ی مطلق، حدیث ابویوب را مقید می‌کند، در حدیث ابویوب آمده: «وَصَلِّ مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكَ» «هراندازه خدا برایت میسر کرده است نماز بگزار» اگر از دو رکعت بیشتر خواند، جایز است. در ضمن دو رکعت دو رکعت بگزارد و بعد از دو رکعت سلام دهد. ابن ابی جمره می‌گوید: حکمت تقدیم نماز بر دعا این است که فلسفه‌ی استخاره، بدست آوردن خیر دنیا و آخرت است و این امر، مستلزم توسل به درگاه پروردگار است و در این خصوص چیزی مفیدتر و کامروا تر از نماز نیست. افزون بر آن، خود نماز بهترین جایگاه دعاست، بخصوص سجده و تشهد، دو جایگاه بسیار پسندیده برای قبولیت دعا هستند.

حکم استخاره و زمان شروع آن

از آنچه گذشت، معلوم شد که استخاره سنت استحبابی است و از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ثابت و از جمله سنت‌های گفتاری (قولی) است و محدود به زمان و مکانی نیست، بلکه هرگاه بنده به آن نیاز پیدا کرد می‌تواند به انجام آن اقدام کند. نویسنده‌ی کتاب فقه العبادات می‌گوید: هرگاه تصمیم گرفتی وارد کاری از کارهای مباح شوی، مانند تجارت، یا تقبل مسئولیت یا سفر و... و خیر و شر آن برایت روشن نشده بود و نمی‌دانستی که اقدام تو سبب خیر است یا نه؟ در این

صورت سنت آن است که استخاره کنی، تصمیم خویش را با پروردگارت در میان بگذاری و از خداوند بخواهی که خیر را برایت برگزیند و تو را در باره‌ی آن شرح صدر دهد، بعد از انجام استخاره بنگر، اگر قلبت را به چیزی علاقه‌مند دیدی که برای آن استخاره کرده بودی به انجام آن همت کن و اگر دیدی که خداوند نسبت به آن در قلبت نفرت و کراهیت ایجاد کرده و نسبت به آن متفر شده‌ای، رهائش کن چون که در آن خیری نیست.

ناگفته نماند که استخاره مشروط به آن نیست که فرد در انتخاب امری، دچار آشفته‌گی و سرگردانی شده باشد تا استخاره کند، بلکه برای هر امری می‌تواند استخاره کند؛ چرا که در حدیث آمده است:

«إِذَا هَمَّ أَحَدُكُمْ بِالْأَمْرِ فَلْيُصَلِّ» «هرگاه یکی از شما تصمیم به انجام کاری گرفت، باید نماز بگذارد» در اینجا نفرموده که هرگاه یکی از شما در انجام کاری پریشان و دو دل شد، نماز بگذارد. امام نسایی در کتاب خویش چنین بابی دارد:

«بَابُ صَلَاةِ الْمَرْأَةِ إِذَا خُطِبَتْ وَاسْتِخَارَتِهَا رَبَّهَا» «بابی در باره‌ی نماز زن وقتی که از او خواستگاری می‌شود و استخاره‌ی او در این باره از پروردگارش».

در این خصوص حدیثی از انس روایت می‌کند که می‌گوید: وقتی که عده‌ی زینب تمام شد، رسول اکرم ﷺ به زید رضی الله عنه فرمود: ای زید! برو پیش زینب و نزد او یادی از من کن (برای من از او خواستگاری کن)؛ زید می‌گوید: رفتم و گفتم: ای زینب، تو را مژده باد! رسول اکرم ﷺ مرا فرستاده است و از تو خواستگاری می‌کند، زینب رضی الله عنها پاسخ داد: تا زمانی که با پروردگارم مشورت نکنم، هیچ کاری انجام نمی‌دهم؛ برخاست و سوی نمازخانه‌اش رفت؛ بعد از آن در باره‌ی او قرآن نازل شد^(۱).

زینب رضی الله عنها یقین کامل دارد که خیر کامل و شرف و عزت در ازدواج با پیامبر خدا ﷺ است و این امری آشکار و روشن است و هیچکس در باره‌ی آن شکی ندارد؛ با وجود این می‌گوید: من تا زمانی که با پروردگارم مشورت نکنم اقدام به کاری نمی‌کنم. امام نووی می‌گوید: از این موضوع استنباط می‌شود که

(۱) - سنن النسائی، شماره‌ی (۳۲۵۱)، مسلم با شرح النووی، ج ۹، ص ۲۲۹.

هر گاه تصمیم به انجام کاری گرفت، چه آن کار به ظاهر خیر بود یا نه، مستحب است که نماز استخاره بگزارد. در این باره به این سخن رسول اکرم ﷺ استدلال می کند که می فرماید: «إِذَا هُمْ أَحَدُكُمْ بِالْأَمْرِ فَلْيَرْكَعْ رَكَعَتَيْنِ مِنْ غَيْرِ الْفَرِيضَةِ» «هر گاه کسی از شما تصمیم گرفت کاری انجام دهد باید دو رکعت نماز نفل بگزارد».

گاهی در انجام کاری که فرجام خوشی ندارد، شرح صدر و اطمینان و علاقه ایجاد می شود. با استخاره از خداوند می خواهی که خیر را برای اکنون و آینده و دنیا و آخرت تو برگزیند، چون ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [بقره: ۲۱۶]. «خدا می داند و شما نمی دانید».

اوقات ممنوع نماز

بهتر است در اوقات ممنوع از نماز گزاران پرهیز شود؛ گرچه شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمته به جواز نماز گزاردن در اوقات ممنوع فتوا داده است؛ اما اکثر علماء می گویند: در آن اوقات نماز گزارده نشود.

منظور شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمته آن است که اگر استخاره کننده ناگزیر به استخاره بود، می تواند در اوقات ممنوع نماز بگزارد، اگر ممکن است نماز استخاره را در وقت جایز بگزارد، همین کار را انجام دهد تا از اختلاف دور شود، نویسنده ی کتاب، «الدین الخالص» می گوید: شافعیه، قایل به جواز نماز استخاره در هر وقتی هستند؛ حتی در اوقات ممنوعه؛ چون نماز استخاره دارای سبب است. اما جمهور می گویند: در وقتی غیر از اوقات ممنوع، نماز استخاره گزارده شود، به خاطر تقدیم ممنوع بر مباح^(۱).

اوقات ممنوع همان سه وقت است که در حدیث صحیح مسلم و دیگر احادیث از حدیث عقبه بن عامر رضی الله عنه آمده است که گفت: سه وقت است که پیامبر خدا ﷺ ما را از نماز گزاردن و به خاک سپردن مردگان در آن منع فرموده است:

(۱) - رک: خطاب، محمود خطاب، الدین الخالص، ج ۵، ص ۲۴۳.

- ۱- هنگام طلوع خورشید تا مقداری ارتفاع یابد؛
 - ۲- هنگام استوای خورشید در ظهر تا مقداری مایل شود؛
 - ۳- هنگام غروب خورشید تا کاملاً ناپدید گردد^(۱).
- از لحظه‌ی طلوع خورشید تا ارتفاع آن تقریباً پانزده دقیقه تخمین زده شده است و غروب آن نیز پانزده دقیقه در نظر گرفته شده است؛ اما در هنگام استوا در وقت ظهر، زمان ممنوعیت نماز، کمتر از پانزده دقیقه است.

نمونه‌هایی از استخاره‌ی ممنوع

نویسنده‌ی کتاب وصایا الرسول، گونه‌هایی از استخاره‌ی ممنوع و ناجایز را ذکر کرده و از انجام دادن و باورداشتن به آنها هشدار داده است.

۱- استخاره‌ی خواب

عملی که که فرد نیازمند انجام می‌دهد یا از کسی دیگر می‌خواهد که این کار را برای او انجام دهد؛ بدین صورت است که مقداری قرآن تلاوت می‌کند و از خداوند می‌خواهد آنچه را که نیت کرده است، در خواب به او نشان دهد و یا اگر آنچه را که نیت کرده، خیر است، در خواب به او به شکل سبزی یا سفیدی نشان دهد و اگر آنچه که نیت کرده، بد است، در خواب به شکل سرخی یا سیاهی به او نشان دهد، اینگونه استخاره اصلاً مشروع نیست. و انجام آن به مثابه‌ی عدول از آموزه‌های رسول اکرم ﷺ و دعای جامع و فراگیری است که خیر دنیا و آخرت را دربر دارد. اینگونه استخاره، با ایمان کامل و یقینی که مقتضی دوری از بدعت‌ها و آراسته‌شدن با سنت‌های رسول اکرم ﷺ است؛ فاصله دارد.

(۱)- مختصر صحیح مسلم، شماره‌ی ۲۱۹.

۲- استخاره با تسبیح (فال گرفتن با تسبیح)

روش این استخاره بدین شکل است که فرد نیازمند یا کسی دیگر که برای او انجام می‌دهد، تسبیحی را برمی‌دارد و با شمردن آن، نیازش را زمزمه می‌کند، سپس بعضی از دانه‌های آن را در دستان خود نگه می‌دارد و بعد از آن، دانه‌های آن را می‌شمارد، اگر فرد بودند، از نیت خویش منصرف می‌شود و اگر زوج بودند، نیت خود را خیر حساب می‌کند و برای انجام آن اقدام می‌کند. این عمل بیشتر با باورهای دوران جاهلیت شباهت دارد؛ آنان پرنده را به هوا می‌پراندند؛ اگر به سمت راست می‌رفت به فال نیک می‌گرفتند و اگر به سمت چپ پرواز می‌کرد به فال بد می‌گرفتند و از تصمیم خود منصرف می‌شدند. شریعت این عمل را «الطیرة» نامیده و از انجام آن برحذر داشته است.

۳- استخاره با فال، مهره و کف‌بینی

تمام موارد فوق گونه‌ای از انحراف و گمراهی محسوب می‌شوند و مبنای آن توانمندی و زیرکی دجالی است که سخنانش را از خواسته‌ها و نیازمندی‌های شخص و موافقت او در پاره‌ای از چیزهایی که به گمان شخص، گمشده‌ی او هستند، استخراج می‌کند؛ از آلوده شدن به این گناه بایستی سخت پرهیز کرد. به عنوان هشدار این سخن رسول اکرم ﷺ کافی است که می‌فرماید:

«مَنْ أَتَى عَرَافًا فَسَأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةُ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً»^(۱).

«هر کس پیش فالگیر و پیشگو رود و از او در باره‌ی چیزی سؤال کند، نماز چهل شب او قبول نمی‌شود».

باز فرموده است:

«مَنْ أَتَى عَرَافًا أَوْ كَاهِنًا فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أُنزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ ﷺ»^(۲).

(۱)- مسلم، شماره‌ی ۲۲۳۰؛ مسند احمد.

(۲)- امام احمد، حاکم از ابوهریره با سند حسن؛ ابوداود، بیهقی در السنن الکبری؛ دارمی، ابن ماجه و ابن جارود در المنتقی. ذهبی حدیث را قوی دانسته و عراقی در امالی خودش آن را تصحیح کرده است، فیض القدیر، ج ۶، ص ۲۳.

«هر کس نزد فالگیر و پیشگو رود و سخن او را باور کند، بی شک چنین کسی به آنچه که بر محمد ﷺ نازل شده است کفر ورزیده است.»
حضرت عایشه رضی الله عنها می گوید: هر کس گمان کند که آنچه را که فردا اتفاق می افتد، می داند؛ چنین کسی دروغ بسیار بزرگ و بهتان عظیمی به خداوند نسبت داده است؛ چون خداوند می فرماید:

﴿قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ [نمل: ۶۵].

«بگو: کسانی که در آسمانها و زمین هستند، غیب نمی دانند؛ جز خدا.»
برخی دیگر از اینگونه موارد ناروا عبارتند از: «فتاح»؛ همان کسی که وقتی نزد او بروی برایت کتابی باز می کند تا به تو بفهماند که از طریق کتاب می تواند از غیب و آینده اطلاع دهد و تو به راحتی دروغ و گمراهی گری او را باور کنی.
«طالب الأثر» جوینده ی رد، از کسانی که نزد او مراجعه می کنند، تکه ای پارچه می خواهد و می گوید که: به زودی تو را از حال و آینده خبر می دهم؟ تمام این کارها بر مبنای دروغ و حيله استوارند.

«منجم»؛ کسی که با حساب های ریاضی، با نجوم و ستارگان کار می کند؛ سپس مراجعه کنندگان خودش را از گذشته و آینده ی کارهایشان خبر می دهد! غافل از این که خداوند از این دروغ و حقه ی او آگاه است و بر این عمل او نظارت دارد و خودش می داند که افتراگر و دروغ پردازی بیش نیست، مدعی علم شناسی منازل برجها، کسی است که سالها را براساس برجها تقسیم بندی می کند؛ مثلاً کسی در سال فلان متولد شده است برج او، برج الاغ است و هر کس در سال فلان متولد شده است برج او، گاو نر است و هر کس برج او فلان است، روز او غبار آلود است. بدین شکل، برخی از جراید رسمی اکثر کشورهای عربی، این خرافه ها را تبلیغ می کنند و چنان به آن آب و تاب می دهند که انگار حقیقت است و همیشه در صفحات جرایدشان بدان ستونی اختصاص می دهند. به گمان خودشان در راستای ایفای وظیفه ی فرهنگی گام برداشته اند و خدمتی فرهنگی انجام داده اند و بدین وسیله با خرافات مبارزه می کنند! اگر این خود خرافه نباشد، پس خرافه چیست؟

بستن کتاب با نخ و آویزان کردن با کلید به یکی از انگشتان و تلاوت آیاتی معین از قرآن، به وسیله‌ی آن آیات به عقیده‌ی خودش، جن را احضار می‌کند. سپس با آن استخاره می‌کند و می‌گوید: اگر این کار چنین است، کتاب را به سمت راست برگردان و اگر چنان نیست، کتاب را به سمت چپ برگردان. همه‌ی اینها بدعت و خرافه و وسیله‌ای است جهت گشودن باب شعبده و... گاهی هم موجب کفر ورزیدن به چیزی می‌شود که بر محمد ﷺ نازل شده است چنانکه در حدیث گذشت. پرسیدن از غیبی که هنوز نیامده و آشکار نشده است و جز خدا هیچکسی دیگر آن را نمی‌داند، تکذیب آن چیزی است که بر سرور ما حضرت محمد ﷺ نازل شده است؛ خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا ۖ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ﴾ [لقمان: ۳۴].

«و هیچکس نمی‌داند فردا چه چیز فرا چنگ می‌آورد و هیچکس نمی‌داند که در کدام سرزمین می‌میرد. (قطعاً خدا آگاه و باخبر است).»

﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ﴾ [انعام: ۵۹].

«گنجینه‌های غیب و کلید آنها در دست خداست و کسی جز او از آنها آگاه نیست.»

﴿عَلِمَ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا ﴿۱﴾ إِلَّا مَن ارْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ﴾ [جن: ۲۶-۲۷].

«داننده‌ی غیب خداست و هیچکس را بر غیب خود آگاه نمی‌سازد؛ مگر پیغمبری که خدا از او راضی باشد.»

سؤال از جن به هر شکل و کیفیتی که باشد بر سه قسم است: ۱- سؤال از او در باره‌ی گذشته؛ ۲- پرسیدن از اکنون، یا در باره‌ی اتفاقی که در جایی دور رخ داده است؛ ۳- سؤال از آینده.

سؤال اول و دوم به خاطر سه ذرائع ممنوع است؛ چرا که جن‌ها اکثراً دروغ می‌گویند و چه بسا سؤال مطرح شده از جن حتی در حضورش، بر او پوشیده

بماند؛ همانگونه که مرگ حضرت سلیمان عليه السلام بر آنان مخفی ماند؛ در حالی که او در جلوی آنها ایستاده بود و آنان او را تماشا می کردند و از مرگ او خبر نداشتند و زمانی که عصای او در اثر خوردن موریانه افتاد، متوجه شدند که سلیمان مرده است. چنان که خداوند می فرماید:

﴿فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَهَمَهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَن لَّو كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿سبأ: ۱۴﴾﴾

«زمانی که بر سلیمان مرگ را مقرر داشتیم، جنیان را از مرگ او آگاه نکرد [آنان را از مرگ او باخیر نساخت] مگر چوب خواره‌هایی که (مدت‌ها بود به عصای سلیمان رخنه کرده بودند) و عصای وی را می خوردند. هنگامی که سلیمان فرو افتاد، آن وقت فهمیدند که اگر آنها از غیب مطلع می بودند در عذاب خوارکننده (و بیگاری اسارت) باقی نمی ماندند.»

۳- اما حکم سؤال جن از آینده، همانند حکم رفتن نزد ساحر و جادوگر و کاهن و فالگیر است، چرا که او با این عمل خود آیاتی را که بر محمد عليه السلام نازل شده است تکذیب کرده و این کفر صریح و باوری زشت و ناگوار است.

مشورت با عالمان

اگر استخاره کننده مشورت اهل فضل و ایمان را به استخاره‌ی خویش بیفزاید، این برایش بهتر خواهد بود.

حضرت عمر رضی الله عنه به ابوموسی گفت: در باره‌ی کارهایت با کسانی که اهل تقوا هستند و از خداوند خوف دارند، مشورت کن.

شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمته الله می‌گوید: «کسی که از آفریدگار طلب خیر کند و با خلق مشورت کند و در انجام کارش ثابت و مصمم باشد، پشیمان نخواهد شد.»
یک اعرابی می‌گوید که: تا زمانی که قوم من ضرر نکند من هم ضرر نخواهم کرد، سؤال شد چگونه؟ گفت: تا زمانی که با آنان مشورت نکنم، کاری انجام نمی‌دهم.

حسن بصری رحمته الله می‌گوید: گروهی که کارهایشان را با مشورت انجام می‌دهند، حتماً به راست‌ترین و درست‌ترین راه هدایت خواهند شد.
شاعر خوش ذوقی می‌گوید:

شاوَر صديقك في الخفي المشكل
وأقبل نصيحة ناصح متفضل
والله قد أوصى بذاك نبيه
في قوله شاوَرهم وتوكل

«در کارهای مشکل و پوشیده با دوست مشورت کن و نصیحت هر نصیحت‌گر اهل فضل را پذیرا باش؛

چرا که خداوند پیامبرش را به آن سفارش کرده، آنگاه که فرمود با آنان مشورت کن و سپس در انجام کار بر خدا توکل کن.»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله همیشه با یاران خویش مشورت می‌کرد و در اموری که وحی نازل نمی‌شد به مشورت‌شان عمل می‌کرد؛ بر مبنای این قول خداوند:

﴿وَشَاوَرَهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ [آل عمران: ۱۵۹]. «در کارها با آنان مشورت کن.»

از این موارد در کتاب‌های سنن و سیرت فراوان است؛ به عنوان مثال: فرود آمدن رسول اکرم صلی الله علیه و آله به خاطر مشورت حباب بن منذر رضی الله عنه کنار آب بدر،

پذیرفتن فدیة از اسیران بدر به خاطر مشورت ابوبکر صدیق رضی الله عنه، بیرون شدن رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای رویارویی و با مشرکان در احد، بنابر مشورت جوانان، عمل کردن به مشورت حضرت ام سلمه رضی الله عنها در صلح حدیبیه و از لباس احرام بیرون شدن و سر را تراشیدن؛ و در مواضع دیگر نیز رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ردی و مشورت آنان عمل کرده است.

از اینرو خداوند در قرآن از آنان تمجید می کند و مشورت را یکی از خصایص و ویژگی هایشان برمی شمرد:

﴿وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ﴾ [شورا: ۳۸].

«و کارشان به شیوهی رایزنی با یکدیگر است».

خداوند در قرآن کریم یکی از سوره ها را «شوری» نامیده است تا به اهمیت و فواید بزرگ آن اشاره کند.

انسان اهل مشورت عقل های دیگران را به عقل خودش می افزاید و علم آنان را به علم خودش اضافه می کند، چون که مشورت به مثابه ی بارور ساختن عقل ها است؛ مشورت با اهل فضل و برادران ایمانی نشان تواضع و فروتنی است و رابطه ی برادری و پیوند محبت آمیز را می افزاید. اگر بعد از مشورت با آنان در انجام کار با شکست مواجه شدی، از سوی آنان هیچ سرزنش و عتابی متوجه تو نخواهد شد؛ چرا که تو در کارت؛ خود رأی و تکبر نبوده ای و به عقل و فهم خود مغرور نشده ای و با برادرانت در خصوص آن کار مشورت کرده ای. این است که می گویند:

«ما خاب من استخار ولا ندم من استشار»

«استخاره گر ناامید نمی شود و کسی که مشورت کند پشیمان نخواهد شد».

حکم مشورت

مشورت در امور خاص مستحب است و در مسائل سیاسی و نظامی و امور عمومی دیگر، واجب.

خداوند می‌فرماید:

﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾ [آل عمران: ۱۵۹].

«در کارها با آنان مشورت کن و هنگامی که (پس از شور و تبادل نظر) تصمیم به انجام کاری گرفتی (قاطعانه دست به کار شو و) بر خدا توکل کن.»
حسن بصری و ضحاک رحمهما الله می‌گویند: خدا به پیامبرش از آن رو امر به مشورت نمی‌کند که به رأی و مشورت آنان نیازمند است؛ بلکه بدین خاطر است که می‌خواهد به آنان بیاموزد که در مشورت؛ خیر نهفته است و دیگر اینکه امت بعد از او به همین شیوه از او پیروی و اقتدا کنند^(۱).

ابن عطیه رحمته الله می‌گوید: مشورت از مبانی شریعت است و هر مسئولی که با عالمان و دینداران مشورت نکند، عزل او واجب است.

ابن خويز منداد رحمته الله می‌گوید: بر مسئولان در مسائلی از دین که برایشان مشکل می‌نماید و آنچه مربوط به بخش نظامی مملکت می‌شود و آنچه را که نمی‌دانند، در این امور مشورتشان با علماء واجب است و آنچه به مصالح و منافع عمومی مربوط می‌شود باید با بزرگان و ریش سفیدان قوم مشورت کنند و آنچه به مصلحت کشور و آبادانی آن مربوط است باید با قشر نویسندگان و وزیران و کارگزاران مشورت کنند.

دیدگاهی که عمل به مشورت را واجب می‌داند راجح‌ترین دیدگاه فقهاست و ما هم همان را برگزیده ایم و آن را ترجیح می‌دهیم؛ چون قرآن این دیدگاه را تأیید می‌کند و طبق آن، امور بر پایه‌ی حکمت و مصلحت می‌چرخند. واجب دانستن مشورت مانعی در برابر ایجاد استبداد و تسلط دیکتاتوری محسوب می‌شود.

حضرت علی رضی الله عنه می‌گوید:

(۱) - الجامع لأحكام القرآن، ج ۴، ص ۱۶۱.

«نعم المؤازرة المشاورة وبئس الاستعداد الاستعداد»

«بهترین یاور و پشتوانه، مشورت است و بدترین استعداد و توانایی، استبداد است.»

بیهقی از ابن عباس رضی الله عنهما روایت می کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «أما إن الله ورسوله لغنيان عنها ولكن جعلها الله تعالى رحمة لأمتي، فمن استشار منهم لم يعدم رشداً، ومن تركها لم يعدم غيًّا»^(۱). «هان! بدانید که خداوند و پیامبرش از مشورت بی نیاز هستند، اما خداوند آن را برای امت من مایه‌ی رحمت قرار داد. لذا هر کس از آنان مشورت کند راه درست را از دست نخواهد داد و هر کس آن را ترک کند از راه انحراف نجات نخواهد یافت.»

برخی از حکیمان گفته اند: هر کس چهار چیز داشته باشد از چهار چیز محروم نمی شود:

- ۱- هر کس سپاسگزار باشد، از اضافه گرفتن محروم نمی شود؛
- ۲- هر کس اهل توبه باشد، از قبولیت محروم نمی شود؛
- ۳- هر کس اهل استخاره باشد، از خیر محروم نمی شود؛
- ۴- هر کس اهل مشورت باشد، از صواب محروم نمی شود.

طرف مشورت چه کسی باشد

اکنون به صفات و ویژگی‌هایی می‌پردازیم که لازم است طرف مشورت داشته باشد. اگر مشورت در باره‌ی مسایل دینی است، لازم است که طرف مشورت عالم و اهل تقوا باشد. آدم سالخورده اگر به «ارذل العمر» نرسیده باشد، از فرد کم سن و سال بهتر است. اگر مشورت در باره‌ی مسایل دنیوی است، لازم است که طرف مشورت انسانی عاقل و با تجربه باشد، اگر طرف مشورت با وی رابطه‌ی دوستانه دارد، این از کسی دیگر بهتر است. شاعری سروده است:

(۱)- روایت فوق را آلوسی در تفسیر روح المعانی به ابن عدی و بیهقی ارجاع داده است. سند آن نیز حسن است.

وإن باب أمر عليك التوي
فشاور لبيباً ولا تعصه

«اگر دروازه‌ی کاری بر تو پیچیده و دشوار شد، پس با فردی دانا مشورت کن و از مشورت او سربیزی مکن.»
دیگری گفته است:

وإذا بلغ الرأي المشورة فاستعن
برأي لبيب أو مشورة حازم

«وقتی که رأی به مرحله‌ی مشورت رسید آن وقت از رأی انسان عاقل و فهمیده و یا از رأی انسان پخته و با تجربه کمک بگیر.»

اصمعی رحمته می گوید: به بشار که گوینده‌ی شعر فوق است گفتم: ای ابومعاذ! مردم از اشعارت شگفت زده شده اند، پاسخ داد: ای ابوسعید! بدین خاطر است که مشورت کننده یا به صواب می رود و ثمره‌ی آن را به دست می آورد و یا بر خطا می رود و در بدی آن شریک است. اصمعی می گوید: به بشار گفتم که: تو در گفتار نثر خودت شاعرتر از کلام خودت در شعر هستی.

برخی گفته اند: با کسی که کارها را تجربه کرده است مشورت کن؛ چون او نظر و پیشنهادی را به تو می بخشد که بر او گران تمام شده و تو اکنون آن را رایگان دریافت می کنی.

سفیان ثوری رحمته می گوید: طرف مشورت تو باید مردمانی اهل تقوا، امانتدار و اهل خشیت و ترس از خدا باشند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

«المُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ»؛ طرف مشورت امانتدار است (و باید چیزی را که با او در میان گذاشته شده، فاش نکند).

زا فرموده است:

«من أشار على أخيه بأمر يعلم أن الرشد في غيره فقد خانه»^(۱).

(۱) - ابوداود، حاکم و دارمی با سند حسن از ابوهریره رضی الله عنه.

«اگر کسی برادرش را به کاری راهنمایی کند که بداند خیر در غیر آن است، قطعاً به او خیانت کرده است».

حضرت جابر بن عبدالله رضی الله عنه می گوید:

«بَايَعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَلَى إِقَامَةِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَالنُّصْحِ لِكُلِّ مُسْلِمٍ»^(۱).
«با رسول الله صلی الله علیه و آله بیعت کردم که نماز را برپا دارم و زکات اموال را پرداخت کنم و نصیحت و دلسوزی را نسبت به هیچ مسلمانی دریغ نکنم».

آنچه برای استخاره کننده آشکار می شود

به تجربه برآیم ثابت شده که خیر برای استخاره کننده به میزان صداقت ایمان و کمال یقین او آشکار می شود؛

۱- استخاره کننده اگر از ایمان راستین و یقین نیرومند و قلبی بیدار و زنده بهره مند باشد، خداوند قلبش را در اثنای استخاره یا بعد از آن حتماً به آن سو که خیر است جهت خواهد داد و قلبش را به سوی خیر متوجه خواهد کرد. یک بار برای خودم اتفاق افتاد که در باره ی کاری که به آن علاقه مند بودم، زیاد اصرار ورزیدم، از خداوند طلب خیر کردم و مرتب نماز گزاردم و مدام به دعا نشستم. در مرتبه ی سوم چون از استخاره فارغ شدم یکباره متوجه شدم که قلبم تحول پیدا کرده و احساسات و عواطفم تغییر کرده است و از کاری که به آن سخت علاقه مند بودم و آرزوی رسیدن به آن را داشتم روی گردان شده ام و با خود گفتم: پاکیزه و منزه است ذاتی که دگرگون کننده ی قلب بها و گرداننده ی آنهاست، ذاتی که تغییر می دهد، اما خودش تغییر نمی پذیرد؛ کسی که فریادرسی می کند و پناه می دهد، اما خود نیاز فریادرسی و پناه نیست.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

«إِنَّ قُلُوبَ بَنِي آدَمَ كُلَّهَا بَيْنَ إصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ الرَّحْمَنِ عَزَّ وَجَلَّ كَقَلْبِ وَاحِدٍ يُصَرِّفُهَا كَيْفَ يَشَاءُ، اللَّهُمَّ مُصَرِّفَ الْقُلُوبِ اصْرِفْ قُلُوبَنَا إِلَى طَاعَتِكَ»^(۲).

(۱)- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۶۶؛ صحیح مسلم، شماره ۱۲۱۰.

(۲)- الأحادیث الصحیحة، آلبانی شماره (۱۶۸۹).

«هان! آگاه باشید که تمام قلب‌های آدمیزاد بین دو تا انگشت از انگشتان خدای رحمان قرار دارند، درست همانند یک قلب هر طور که بخواهد آنها را برمی‌گرداند، ای خدای گرداننده‌ی قلب‌ها! دل‌های ما را به سوی طاعت خویش برگردان.»

باری از ام سلمه رضی الله عنها پرسیده شد که: ای ام المؤمنین! هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزد تو بود، بیشتر چه دعایی می‌کرد؟ گفت: بیشتر این دعا را می‌خواند:

«يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ».

«ای گرداننده‌ی قلب‌ها قلبم را بر دینت پایدار کن.»

عرض کردم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این چه رازی نهفته است که بیشتر این دعا را می‌خوانید؟ فرمود: ای ام سلمه! هیچ آدمیزادی نیست که قلبش بین دو انگشت از انگشتان خداوند نباشد، هر قلبی را بخواهد راست می‌گرداند و هر کدام را بخواهد کج می‌کند.^(۱)

۲- گاهی برای استخاره‌کننده در زمان استخاره یا بعد از آن خیر آشکار نمی‌شود، این امر شاید به خاطر عوامل ذیل باشد، احتمال دارد که شخص ایمان وضعفی دارد یا در یقینش کمی و کاستی وجود دارد، یا علت آن شهوتی است که صفای آینه‌ی قلبش را مکدر و آلوده کرده است، یا به سبب شبهه و غفلتی است که او را از توجه راست و ایجاد رابطه‌ی دوستانه با پروردگار جهانیان باز داشته است. بنابراین، کسی که چنین نباشد قطعاً از به دست آوردن کارهای خیر محروم نمی‌شود و حتماً خداوند بدی را به برکت استخاره از او دور می‌کند، هر چند ممکن است با تأخیر و بعد از انتظار زیاد اثرش نمایان شود. مثلاً اتفاق می‌افتد که در باره‌ی ازدواج یا تأسیس شرکت و یا برای مسافرت و... استخاره کند، اما بعد از استخاره برای انجام آن شرح صدر نمی‌شود و حیران و سرگردان می‌ماند، سپس برای انجام کاری اقدام می‌کند؛ همانند اقدام در امر ازدواج با زنی ناصالح، یا شرکتی تأسیس می‌کند که سودی برایش ندارد، یا می‌خواهد به سفری رود که برایش ظاهراً مفید نیست، بعد از این که کاملاً خودش را آماده می‌کند و فاصله‌ای

(۱)- صحیح سنن الترمذی.

بین او و وقوع کار مورد نظر باقی نمانده است، در همین گیر و دار خداوند او را به برکت استخاره از کارهایی که برای او خیر و برکتی در بر ندارد، نجات می‌دهد. اگرچه فعلاً ضعف ایمان او سبب شده است که دیر به خیر هدایت شود و از آغاز از آن محروم بوده است و به همین سبب بار فشار و خستگی متوجه او شده است، و خدا هر کسی را که بخواهد به راه درست هدایت می‌کند.

۳- گاهی استخاره کننده خوابی می‌بیند^(۱) که خیر و شر را در باره‌ی آنچه از خداوند طلب خیر کرده است برایش مشخص می‌کند؛ این خواب، خوب است در صورتی که با توجهات قلبی هماهنگ باشد و برایش ایجاد شرح صدر کند و احساس آرامش و اطمینان کند. اگر خواب به چیزی فرا می‌خواند که قلب نسبت به آن آشفته و پریشان بود و آن را ناگوار و ناپسند می‌دید آن خواب هیچ اعتباری ندارد و بر آن هیچگونه حکم شرعی و امر تکوینی مترتب نخواهد شد، اگرچه بارها تکرار شود.

کسانی را می‌شناسم که با خواب همان تعامل را می‌کنند که انبیاء با وحی می‌کردند، انگار اینان پیامبرانی هستند که از طریق خواب به آنان وحی می‌شود.

(۱) - حافظ ابن حجر از المهلب نقل می‌کند که مردم در باره‌ی خواب دارای سه درجه هستند، الف: انبیاء، تمام خواب‌های انبیاء صادق و راست است، گاهی برخی از خواب‌هایشان نیاز به تفسیر دارد؛

ب: نیکان و صالحان، اکثر خواب‌هایشان راست درمی‌آید و گاهی برخی از خواب‌هایشان نیاز به تعبیر پیدا نمی‌کند و غیر از این دو دسته افرادی هم برخی از خواب‌هایشان راست درمی‌آید.

ج: گروهی که خواب‌های پریشان می‌بینند سه گروه هستند:

- (۱) کسانی که حالشان پوشیده است، اغلب وضعیت‌شان نسبت به خودشان برابر است؛
- (۲) فاسقان؛ اکثر خواب‌هایشان خیالات و حالات پریشانی است و کمتر راست درمی‌آیند؛
- (۳) خواب کافران خیلی کم اتفاق می‌افتد که راست باشد؛ رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: کسانی که راست گفتارند خواب‌هایشان هم راست درمی‌آید.

مسلم از ابوهریره شماره (۲۲۶۳) روایت کرده است. حافظ ابن حجر در توجیه حدیث می‌گوید: بعضی از خواب‌های کافران نیز صادق بوده است، همانند خواب دو نفری که هم زندانی یوسف علیه السلام بودند و خواب پادشاه‌شان و... فتح الباری، ج ۱۲، ص ۳۷۹.

استدلال‌شان هم واقعه‌ی حضرت ابراهیم خلیل الله است که در خواب دید فرزند دلبندش حضرت اسماعیل علیه السلام را ذبح می‌کنند. خداوند در قرآن بیان می‌کند:

﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَبْنَئِي إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْنُكَ فَأَنْظُرْ مَاذَا تَرَىٰ ۚ قَالَ يَتَأْتِيَ أَفْعَلٌ مَا تُؤْمَرُ ۖ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ ﴿۱۰۲﴾﴾

[صافات: ۱۰۲].

«وقتی که (او متولد شد و بزرگ گردید و) به سنی رسید که می‌توانست با او به تلاش (در پی معاش) پردازد. ابراهیم بدو گفت: فرزندم! من در خواب چنان می‌بینم که باید تو را سر ببرم (و قربانیت کنم). بنگر نظرت چیست؟ گفت: ای پدر! کاری که به تو دستور داده می‌شود بکن. به خواست خدا مرا شکیباً خواهی یافت.»

در این جمله خوب دقت کنید که می‌فرماید: ﴿أَفْعَلٌ مَا تُؤْمَرُ﴾، کاری که به تو دستور داده می‌شود بکن؛ به وی نگفت که آنچه را در خواب می‌بینی بکن، چرا که خواب انبیاء وحی است و وحی چه در خواب و چه در بیداری، یا امر است یا نهی.

این قضیه مخصوص پیامبران است و جز آنان هیچکس نمی‌تواند چنین ادعایی کند؛ هرکس چنین ادعایی کرده و یا خود را وارد آن کند، حتماً زیان و خسارت را به جان خریده است و خود را مرتعی آباد و محلی امن برای وسوسه‌های شیطانی قرار داده است. چه بسا منشأ برخی از خواب‌ها، بیماری‌های روحی، روانی باشد، یا مبنای آنها شطحات صوفیانه باشد.

اکنون پاره‌ای از مثال‌هایی را که پایه‌ی آنها جهل است، برایتان ذکر می‌کنم؛ کسی دختر بچه‌اش را به خاطر خوابی که دیده است به قتل می‌رساند؛ مطبوعات ترکیه تقریباً هفت سال پیش خبری را چاپ کردند که مردی دختر بچه‌اش را برای شیخ نقشبندی خودش که چندین بار او را در خواب دیده بود و در خواب او را امر کرده بود که کنار قبرش قربانی کند، به قتل می‌رساند و بدینوسیله برای تقرب به شیخ، قربانی تقدیم می‌کند. وقتی که قاضی در دادگاه از او می‌پرسد بر این عمل خودش پشیمان است یا خیر، پاسخ می‌دهد که هرگز پشیمان نیست،

بلکه برعکس خوشحال و خرسند است از این که توفیق یافته است امر شیخ را که به او سپرده است اجرا کند؛ عیناً همانطور که خداوند با ابراهیم و اسماعیل کرد. اگر راست می‌گوید، چرا خداوند برای او قوچی نفرستاد، همانطور که به جای اسماعیل فرستاد: ﴿وَقَدَّيْنَهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ﴾ «خداوند به جای او قربانی بزرگی فرستاد و آن را بلاگردان او کرد».

باری برای شریک بن عبدالله القاضی با مهدی خلیفه‌ی عباسی اتفاقی رخ داد؛ شریک نزد او رفت، وقتی مهدی او را دید، گفت: شمشیر بیاورید. شریک گفت: چرا ای امیر مؤمنان؟ گفت: در خواب دیدم که تو وارد خانه‌ام شده‌ای و راه می‌روی و در عین حال از من روبرو می‌تابی، خوابم را برای معبران تعریف کردم، تعبیرشان چنین بود که تو به ظاهر از من اطاعت می‌کنی، ولی در باطن از من نافرمانی می‌کنی، شریک به او پاسخ داد: اولاً خواب تو خواب ابراهیم خلیل نیست؛ دیگر این که تعبیرکننده هم، یوسف صدیق نیست. آیا براساس خواب‌های دروغین و نشأت گرفته از خیال و وهم مؤمنان را به قتل می‌رسانی؟ مهدی از پاسخ شریک شرمنده شد.

داستان دیگر حکایت دوشیزه‌ای است که هیچ کاری انجام نمی‌دهد [گرچه به آن علاقه‌مند باشد] تا زمانی که خدا به او امر نکند دست به هیچ کاری نمی‌زند، اگر از او پرسید که راه دریافت امر از سوی خداوند چیست؟ می‌گوید: من دستورات الهی را از طریق خواب دریافت می‌کنم و می‌گوید: مگر خواب نیک از سوی خداوند نیست، مگر بخشی از چهل و ششمین بخش نبوت نیست؟^(۱)

حدیث مزبور را امام بخاری از قتاده روایت کرده است که رسول خدا ﷺ

فرمود:

«الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ مِنَ اللَّهِ وَالْحُلْمُ مِنَ الشَّيْطَانِ».

«خواب نیک از سوی خداوند است و خواب پریشان و خیال پرداز از سوی

شیطان است».

هیچ عالمی و عاقلی نگفته است که خواب یکی از منابع شریعت است.

(۱) - بخاری - حدیث صحیح است.

اگر امامان بزرگوار رضی الله عنهم، امام ابوحنیفه، امام شافعی و امام احمد و... چنین برداشت می کردند، حتماً خواب نیک را به منابع شریعت و دلایل چهارگانه‌ی معتبر احکام نزد جمهور، می افزودند آن اصول چهارگانه عبارتند از کتاب الله، سنت صحیح رسول الله، اجماع و قیاس؛ یا حد اقل آن را در ردیف اصول و منابع فرعی قرار می دادند؛ مانند قول صحابی، شریعت کسانی که پیش از ما بوده اند، عرف، سد ذرائع، استحسان.

امام شاطبی رضی الله عنه در الاعتصام می گوید: خواب غیر معصوم یا خواب غیر انبیاء به هیچ وجه اثبات کننده‌ی حکم شرعی نیست، مگر آن که بر منابع صحیحی که در دست داریم، آن را عرضه کنیم. اگر با آنها موافق بود پس به مقتضای آن عمل می شود و اگر موافق نبود ترک آن واجب خواهد بود و باید از آن رویگردان شد^(۱).

وی می افزاید که اگر در خواب دید کسی به او می گوید: فلانی سرقت کرده، برو دستش را قطع کن، یا فلانی عالم است، برو از او سؤال کن یا آنچه می گوید طبق آن عمل کن، یا فلانی زنا کرده است، حد را بر او جاری کن و موارد دیگر همانند این موارد، هرگز اجرای آنها صحیح نیست، مگر آن که در بیداری، برای صحت آن دلیل و قرینه‌ای وجود داشته باشد. اگر چنین کند کاری خارج از محدوده‌ی شریعت انجام داده است؛ چرا که پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وحی قطع شده است.

حدیثی که او به آن استدلال کرده که خواب مؤمن چهل و ششمین جزء نبوت است، در صحیح بخاری است از انس و عباد بن صامت رضی الله عنهما نقل شده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «رُؤْيَا الْمُؤْمِنِ جُزْءٌ مِنْ سِتَّةٍ وَأَرْبَعِينَ جُزْءًا مِنَ التُّبُوَّةِ» کسی که آراء و سخنان علماء را در توجیه و تبیین این حدیث بررسی کند، بدین مسئله قانع خواهد شد که خواب با جزئی از اجزای نبوت شباهت دارد؛ طوری که گاهی در خواب به گونه‌ای از امری غیبی اطلاع داده می شود، آن هم به صورت اجمال نه تفصیل و جز مژده یا هشدار یا عتاب و سرزنش چیز دیگر نخواهد بود، هرگز

(۱) - الاعتصام، ج ۱، ص ۱۸۹.

نمی‌توان گفت که: بخشی از نبوت است و به احکام دین و دنیا و حلال و حرام ارتباط دارد؛ طوری که انسان مصالح خویش را به خاطر خوابی که در گذشته دیده است رها سازد، یا به انتظار خوابی نشیند که در آینده می‌بیند.

امام شاطبی رحمته در الاعتصام می‌گوید: این که بگوییم خواب از اجزای نبوت است به معنای آن نیست که خواب، وحی مطلق است؛ بلکه جزئی از اجزای آن است و همیشه جزء در تمام ابعاد، جایگزین کل نمی‌شود. و خواب تنها جنبه‌ی بشارت و انداز دارد و همین کافی است. دیگر این که خوابی که جزئی از اجزای نبوت است، شرط آن است که نیک باشد و بیننده‌ی آن نیز نیک سرشت باشد. در مورد شرایط هم بایست دقت شود؛ چون گاه فراهم می‌شوند و گاه نمی‌شوند. خواب به چند قسم است: خوابی که خیال و وهم است و از وسوسه‌های شیطان به شمار می‌رود؛ خوابی که حدیث نفس است، گاه نیز در اثر هیجان بعضی از اخلاط دیده می‌شود. پس هرگاه صالح بودن خواب محقق شد، آن وقت به صلاحیت آن حکم داده و غیر آن رها می‌شود، و در غیر این صورت هرگز به آن توجه نمی‌شود.

ابوالعباس قرطبی رحمته در المفهم می‌گوید: احتمال دارد که منظور از این حدیث آن باشد که خواب نیک (رؤیا صادقه) خصلتی از خصلت‌های نبوت باشد. چنانکه در حدیثی دیگر آمده است:

«التَّوَدُّةُ وَالِاِقْتِصَادُ وَحَسَنُ السَّمْتِ جُزْئٌ مِنْ سِتَّةٍ وَعَشْرِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوَّةِ»^(۱).

«دلسوزی و محبت و میانه‌روی و زیبایی منشی جزئی از بیست و شش جزء نبوت است».

باز فرموده است:

«الْهَدْيُ الصَّالِحُ وَالسَّمْتُ الصَّالِحُ جُزْءٌ مِنْ خَمْسَةِ وَعَشْرِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوَّةِ»^(۲).

«روش نیک و منش نیک جزئی از بیست و پنجمین جزء نبوت است».

(۱) - رک: قرطبی، ابوالعباس، المفهم لما اشکل تخلص کتاب مسلم.

(۲) - ترمذی، طبرانی.

الهام و القا در قلب

دمیدن در درون از دیگر موارد دریافت است، مگر نه آن است که به گفته‌ی قرآن خداوند در مورد موسی به مادر او وحی کرد! گفته شده که: آنچه به مادر موسی رسید نوعی الهام بود، الهام نیز از گونه‌های وحی به شمار می‌رود؛ رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«إن روح القدس نفث في روعي أن نفساً لن تموت حتى تستوفي رزقها وأجلها»^(۱).

«بی‌شک روح القدس [جبرئیل] در قلبم الهام کرده است که هیچ جاننداری نخواهد مرد تا زمانی که روزی‌اش به او به کمال و تمام نرسد و تا زمانی که اجلس فرا نرسیده باشد».

حافظ ابن حجر رحمته الله از حلیمی نقل می‌کند که گاهی فرشته در قلب برخی انسان‌های صالح الهام می‌کند و بدینگونه او را در به دست آوردن پیروزی بر دشمن امیدوار می‌کند، در انجام کاری امیدوار و از نزدیک شدن به چیزی بیمناک می‌کند و بدین وسیله وسوسه‌ی شیطان با حضور فرشته از او دور می‌شود و این نصیحت نمی‌تواند با علم احکام و وعید ربطی داشته باشد؛ چرا که این از ویژگی‌های نبوت است^(۲). باز در فتح الباری از ابو مظفر سمعانی نقل شده که الهام همان است که قلب را برای به دست آوردن علمی تحریک کرده که انسان را بدون استدلال به عمل وا دارد. رأی جمهور این است که عمل به آن تنها زمانی جایز است که هیچ دلیلی نباشد و آن مورد هم از موارد مباح باشد.

امام شاطبی رحمته الله در الموافقات می‌گوید: تمام چیزهایی که رسول خدا ﷺ از آن با خواب یا کشف و الهام یا القا در قلب خبر داده است، مثل این است که فرشته از سوی خداوند به او القا کرده است. به نسبت امت بدیهی است که هیچکدام از آنان معصوم نیست و اشتباه و خطا و نسیان در حق آنان جایز است. نیز احتمال دارد که خواب یک فرد، خیال و وهم و کشف او فاقد پشتوانه‌ای از واقعیت باشد، حتی اگر درست بودن آن آشکار شود، باز هم احتمال اشتباه و توهم

(۱) - حاکم، ابن حبان، ابونعیم در الحلیة و ابن ماجه. سندش صحیح است.

(۲) - فتح الباری، ج ۱۲، ص ۳۸۳.

باقی است و هر کس که وضعیتش چنین باشد نمی‌تواند به آن حکم قطعی بدهد^(۱).

حکایتی دیگر از پیرزنی است که گمان می‌کند صاحب فلان ضریح یا صاحب فلان گنبد و... دو سال در خوابش ظاهر می‌شود و از او می‌خواهد که جشن مولود یا همایش بزرگداشت برایش برگزار کند، [می‌توانی بگویی که مراسم رقص و آوازخوانی] می‌دانیم که برگزاری جشن مولود خوانی، بدعتی ناپسند است و به شکلی که اکنون برگزار می‌شود در بسیاری از آن مراسم، زشت‌ترین منکرات را مرتکب می‌شوند و بزرگترین معصیت‌ها در آن انجام می‌گیرد. آیا جز شیطان کسی دیگر به منکر و بدعت دستور می‌دهد، گرچه در شکل و لباس وحی باشد؟!]

برخی از پیروان طرق صوفیه بر این باورند که آنچه از رقص و آوازخوانی و شطحات و... انجام می‌دهند، ذکر خداوند است و برای این کار باطل‌شان به پاره‌ای از احادیث مجعول یا دروغین استناد می‌کنند، یا برخی از آیات قرآن را به نادرست توجیه و تفسیر می‌کنند، و از آن برداشتی غلط می‌کنند؛ مثلاً استدلال می‌کنند که جوانان کهف کارهایی مانند کارهای آنان انجام می‌داده‌اند و مانند آنان می‌رقصیده‌اند و خداوند از آنان خبر داده و این کارشان را ستوده است.

﴿وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَن نَدْعُوَ مِنْ دُونِهِ ۗ إِلَٰهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا﴾ [کهف: ۱۴].

«ما به دل‌هایشان قدرت و شهادت دادیم، آنگاه به پا خاستند و (برای تجدید میعاد با آفریدگار خود، در میان مردم فریاد برآوردند و) گفتند: پروردگار ما، پروردگار آسمان‌ها و زمین است، ما هرگز غیر از او معبودی را نمی‌پرستیم. (اگر چنین بگوییم و کسی را جز او، معبود بدانیم) در این صورت سخن گزاف و دور از حق گفته ایم.»

(۱) - شاطبی، الموافقات، ج ۴، ص ۴۵.

به گمان این گروه، اصحاب کهف مانند اینان برخاستند، خود را راست و کج کردند، رقصیدند، فریاد زدند، عربده کشیدند و بر کف پایشان چرخیدند و پای کوبی کردند. در آیات فوق، هرگز چنین چیزی که آنان ادعا می‌کنند، نیست و هیچ مفسری هم آنطور که آنان می‌پندارند؛ آیات را تفسیر نکرده است، بلکه آنان آیات خدا را تحریف می‌کنند و بر خدا دروغ برمی‌بندند.

امام مسجدی گمان می‌کند که شبانه با رسول خدا ﷺ کنفرانس مطبوعاتی برگزار می‌کند

فرد مذکور شیخی است که مجموعه‌ای را رهبری می‌کند و برای هر نمازی پیش نمازشان می‌شود و آنان را درس و تعلیم می‌دهد. هرگاه از او سؤالی پرسند، از کتاب خدا و سنت رسول خدا ﷺ یا با اجتهاد عالمان و امامان به آنان فتوا نمی‌دهد، بلکه پاسخ را به تأخیر می‌اندازد و از سؤال‌کننده مهلت می‌خواهد و می‌گوید: پاسخ شما را فردا می‌دهم، وقتی که از رسول خدا ﷺ سؤال کنم. فردا می‌گوید: رسول خدا ﷺ را در خواب دیدم و راجع به پرسش شما به من چنین و چنان فتوا داد.

من منکر دیدن رسول خدا ﷺ در خواب نیستم، بعید هم نمی‌دانم که ایشان برای بیننده سفارش‌ها و نصایحی داشته باشد. اگر هم بپذیریم که رسول خدا ﷺ نزد او می‌آید، چه لزومی دارد که آن را در هر جلسه و دیداری با مریدان خویش بدون هیچگونه فایده‌ای تعریف کند؛ چون این کار سبب ایجاد غرور و خودستایی می‌شود، در صورتی که خداوند از خودستایی منع می‌فرماید: ﴿فَلَا تُرْكُوا أَنفُسَكُمْ﴾ [نجم: ۳۲].

شیخ مذکور در کشور مصر در غرب شهر «المحلة» زندگی می‌کند، او یکی از هواداران جمعیتی دینی است که محور کارشان محافظت بر سنت است و برای گسترش سنت و احیای آن بین مردم فعالیت می‌کند. نمی‌دانم چرا آن جمعیت تنفر خویش را از آن شیخ اعلام نمی‌کند و پیروانش را از انحرافات و خرافات او برحذر نمی‌دارد.

نقل شده است که حضرت انس رضی الله عنه خادم رسول خدا صلی الله علیه و آله هر شب حضرت را در خواب می دید. امام احمد از مثنی بن سعید روایت می کند که شنیدم انس بن مالک می گفت:

«قَالَ لَيْلَةً تَأْتِي عَلَيَّ إِلَّا وَأَنَا أَرَى فِيهَا خَلِيلِي».

«هیچ شبی نیست که من در آن محبوبم، رسول خدا را خواب نبینم».

انس این را بیان می کرد و اشک از چشمانش جاری می شد^(۱).

بنابراین، خبر صحیحی به ما نرسیده است که انس رضی الله عنه در باره ی مسئله ای از مسایلی که صحابه در باره ی آن اختلاف کرده اند از رسول خدا صلی الله علیه و آله استفتاء کند و کسی را هم انس به انجام چیزی که از خواب دریافت کرده باشد، مکلف نکرده است.

آیا در بین مهاجران و انصار کسی یافت می شود که رسول خدا صلی الله علیه و آله را بعد از وفات او سؤال کند و ایشان به او پاسخ دهند؟

اصحاب بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله در بسیاری از مسایل اختلاف کردند، آیا او به آنان در خواب شان پاسخ داد؟ فاطمه دختر پیامبر را بنگرید؟ در باره ی میراث پدری با ابوبکر رضی الله عنه اختلاف کرد. چرا از پدرش در باره ی حل آن سؤال نکرد؟^(۲).

حکایت شیخ مذکور مرا به یاد زنی می اندازد که روزی اندکی پیش از نماز جمعه نزدم آمد. گمان می کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیده است و حضرت به او دستور داده که پیغام مرا به اتم برسان و به آنان بگو: توبه کنند و یک ماه روزه گیرند. این زن از من خواست که این جریان را در خطبه ی نماز جمعه برای مردم بیان کنم.

در پاسخ او گفتم: اما توبه را در هر درس و موعظه ای ما برای مردم بیان می کنیم و آنان را به توبه تذکر می دهیم؛ چون خداوند ما را به آن امر می کند و بر انجام توبه تشویق می کند و قرآن، کلام الهی، شبانه روز بر ما تلاوت می شود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا﴾ [تحریم: ۸].

(۱) - مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۱۸۲. رجال سندش صحیح است.

(۲) - ابن تیمیه، مجموع الفتاوی، ج ۱۰، ص ۴۰۷.

«ای مؤمنان! به درگاه خدا برگردید و توبه‌ی خالصانه کنید.»

﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [نور: ۳۱].

«ای مؤمنان! همگی به سوی خدا برگردید تا رستگار شوید.»

اما در باره‌ی روزه جایز نیست که ما بر مردم روزه‌ی ماهی را فرض کنیم، جز همان ماهی که خداوند خودش روزه‌ی آن را بر آنان فرض کرده است. چنین حکمی جز از راه وحی ثابت نمی‌شود و بعد از وفات رسول اکرم ﷺ وحی نازل نمی‌شود.

رؤیایها و خواب‌ها نمی‌توانند مبنای اثبات شریعت و احکام باشند. علماء و اندیشمندان اسلامی چنین معتقدند. ابن حزم در کتاب المحلی می‌گوید: حضرت عمر رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا ﷺ را در خواب دیدم که به من نگاه نمی‌کند. عرض کردم: ای رسول خدا، گناه من چیست که به من نگاه نمی‌کنی؟ فرمود: گناه تو این است که در حالت روزه زنت را می‌بوسی. ابن حزم می‌گوید: احکام شرعی از راه خواب ثابت نمی‌شود، در صورتی که رسول خدا ﷺ به عمر در زمان حیات خودش فتوا داده بود که بوسه‌زدن در حالت روزه مباح است. غیر ممکن است این حکم در خواب بعد از وفات منسوخ شود (پناه به خدا). ابن حجر در فتح الباری می‌گوید: گفتار رسول خدا ﷺ در خواب باید با سنت‌هایش مقایسه شود، اگر با آن موافق بود، حق است و اگر مخالف بود، حمل بر شنیدن نادرست بیننده‌ی خواب خواهد شد ^(۱).

خداوند دین را در بیداری، کامل کرده است. می‌فرماید:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ

دِينًا﴾ [مائده: ۳].

«امروز دین شما را برایتان تکمیل کردم و نعمت خویش را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین برگزیده بر شما پسندیدم.»

(۱) - فتح الباری، ج ۱۲، ص ۴۰۴.

بعد از تکمیل دین، بی‌نیاز از آن خواهیم بود که از طریق خواب و الهام چیزهایی به آن بیفزاییم، در این باره اگر چنین راهی را بگشایم حتماً کسانی خواهند آمد و به ما خواهند گفت که بر پنج نماز، بنمازی دیگر افزوده شده است و افراد بخیل و کودن گمان خواهند کرد که رسول خدا ﷺ تکالیف بدنی و مالی را از عهده‌ی آنان ساقط کرده است؛ این چنین انسان‌های افراطی و تندرو، چیزهایی بر دین خواهند افزود و انسان‌های تنبل و سست از تکالیف دین خواهند کاست، تا جایی که نشانه‌های دین و شعبه‌های ایمان محو و نابود شوند. برخی از آنان به این حدیث صحیح رسول خدا ﷺ استدلال می‌کنند که می‌فرماید:

«وَمَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ فَقَدْ رَأَى، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَمَثَّلُ بِي»

«هرکس مرا در خواب ببیند بی‌شک خودم را دیده است، چون شیطان نمی‌تواند خودش را به شکل من درآورد»^(۱).

اما می‌تواند با قیافه‌ها و شکل‌های دیگر ظاهر شود و خود را به جای رسول خدا ﷺ معرفی کند و حتی می‌تواند ادعا کند که خداست. این وضعیت برای یکی از علماء رخ داده است. شیطان در برابر او چنان ظاهر شده که انگار نوری است و خطاب به آن عالم گفت: من پروردگارت هستم و من حرام را برایت حلال کردم. آن عالم در پاسخ گفت: بتو مرگ ای ملعون! و از شر او به خدا پناه برد.

شیطان به او گفت: چگونه مرا شناختی؟ گفت: خداوند با این چشمان قابل رؤیت نیست؛ این بینایی توان درک الله را ندارد و او می‌تواند دیده‌ها و بینایی‌ها را درک کند؛ در صورتی که من تو را با دیده خویش دریافتم. تو حرام را برایم حلال کردی، چون خداوند آنچه را که بر محمد حرام کرده است هیچ وقت آن را بر من حلال نمی‌کند. شیطان به او گفت: تو با علم خودت از دست من نجات یافتی. با این روش من پیش از تو هفتاد عابد را فریفته‌ام.

(۱) - رک: بخاری، شماره (۱۹۹۴).

این کار را وقتی که در بیداری انجام می‌دهد، در خواب بیشتر می‌تواند انسان را بفریبد؟ این امر مستلزم آن است که انسان بیننده نسبت به شخصیت و صفات رسول خدا ﷺ آگاه باشد و ویژگی‌های اخلاقی و جسمی او را بررسی کند. از این رو علماء می‌توانند او را بشناسند و تشخیص دهند؛ چون آنان صفات و ویژگی‌های اخلاقی پیامبر را فرا گرفته‌اند و می‌دانند؛ اما نمی‌توان آن را امری مسلم تلقی کرد؛ چون کسانی که او را قبل از وفات مشاهده نکرده‌اند، تشخیص برای آنان آسان نخواهد بود، اما کسانی که او را قبل از وفات دیده‌اند در خواب دیدن آن حضرت برای آنان ساده است: کسی که بخواند و بشنود، همانند کسی نیست که ببیند و مشاهده کند.

یادم است که فردی روستایی نزدم آمد و تعریف کرد که رسول خدا ﷺ را در خواب دیده است و او را به چیزهایی امر کرده است. به او گفتم: کسی که در خواب دیده‌ای چه شکلی بود؟ شروع کرد به تعریف شخصیتی که ما او را نمی‌شناسیم و غیر از آن شخصیتی بود که ما خوانده و شنیده بودیم. از جمله صفاتی که برایش ذکر کرد این بود که رنگ او سیاه است و لباس سیاه می‌پوشد. بالحنی تحقیرآمیز به او گفتم تو حتماً فلانی را دیده‌ای و نام یکی از رهبران آفریقا را برایش ذکر کردم.

زید بن ایوب می‌گوید: اگر کسی نزد محمد بن سیرین می‌آمد و مدعی می‌شد که رسول خدا ﷺ را در خواب دیده است، به او می‌گفت: کسی که در خواب دیده‌ای چه شکلی بود؟ اگر صفتی ذکر می‌کرد که این سیرین آن را نمی‌شناخت، به او می‌گفت: تو رسول خدا ﷺ را ندیده‌ای. حافظ ابن حجر می‌گوید: سند این روایت صحیح است و برای تأیید آن روایت صحیحی از عاصم بن قلیب آورده است. قلیب می‌گوید: پدرم برایم حدیث بیان کرده و گفت: به ابن عباس رضی الله عنهما گفتم که رسول خدا ﷺ را در خواب دیدم. فرمود آنچه دیدی برایم تعریف کن. می‌گوید: شمایل حسن بن علی را برایش تعریف کردم

و او را به آن کسی که دیده بودم تشبیه کردم گفتم: درست است رسول خدا ﷺ را دیده‌ای^(۱).

باز ابن حجر در فتح الباری ج ۱۲، صص ۳-۴ بیان می‌کند که عادت بر این است که اگر فردی بی‌سواد مدعی شد که رسول خدا ﷺ را در خواب دیده است بایست سؤال کرد. اگر با صفاتی که در روایات آمده است موافق بود قبول است و اگر موافق نبود از او پذیرفته نمی‌شود.

در وصف پیامبر ﷺ چنین آمده است:

«وكان أبيض كأنما صيغ من فضة رجل الشعر»

«پیامبر اکرم ﷺ سفید بود، گویی از نقره ساخته شده و دارای موهای صاف

بود».

حضرت انس رضی الله عنه می‌گوید:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَزْهَرَ اللَّوْنِ كَأَنَّ عَرَفَةَ اللَّوْلُو»^(۲).

«پیامبر اکرم ﷺ دارای رنگ روشن بود، عرق آن حضرت انگار مروارید

بود».

حضرت ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: چیزی زیباتر از رسول خدا ﷺ ندیده‌ام. انگار

خورشید بر گرد چهره‌اش در حال حرکت است^(۳).

از این دسته خرافات، اوراق و نوشته‌هایی است که در دست دانش‌آموزان و دانشجویان مسلمان هر سال قبل از برگزاری امتحانات می‌بینیم. نویسنده یا ناشر آن گمان می‌کند که طی آن وصیت رسول خدا ﷺ برای امت بیان شده که اکنون از طریق شیخ احمد، خادم حرم، به آنان می‌رسد. او مدعی است که رسول خدا ﷺ در خواب نزد او آمده است و او را به نوشتن این وصیت‌نامه سفارش کرده است و هرکسی آن را و باور کند و تعدادی از آن را یک بار بنویسد یا چاپ کند، مال و سرمایه‌اش زیاد و در امتحانات نیز قبول شده و در کارهایش موفق

(۱) - فتح الباری، ج ۱۲، ص ۴۰۰، سندش جيد است.

(۲) - مسلم (۱۳۳۰).

(۳) - روایت ابن حبان، شماره (۶۳۰۹) محقق کتاب می‌گوید: بنا بر شرط مسلم صحیح است.

می‌شود؛ اگر بیمار باشد شفا می‌یابد، اگر کسی آن را تأیید نکند و مضمون آن را باور نکند، در امتحانات مردود می‌شود، فرزندانش می‌میرند و به بلاهای دیگری گرفتار می‌شود. اینان با پخش این دروغ‌ها و خرافات، دانشجویان را از مطالعه و درس خواندن دور و پریشان می‌کنند. از این رو، به رونویسی تعداد بیشتری از اوراقی که باور کرده‌اند که موفقیت فقط از سوی آن به سراغ‌شان می‌آید، می‌پردازند. اگر بعد از تلاش بسیار در امتحان مردود شوند در دین شک می‌کنند و دینداران را خوار می‌شمارند، در صورتی که دینداران از این بدعت‌ها و خرافه‌ها بیزار هستند.

کوتاه سخن آن که توصیه‌ی ما به کسی که کارش مشکل شد و برای رسیدن به خیر، راه یافته نشد، این است که در دعا و زاری و تضرع بکوشد و فقر و ناتوانی و بیچارگی خویش را در پیشگاه پروردگار اظهار کند و عبادت فروتنانه‌ی خویش را به پروردگارش عرضه کند و امیدوار باشد که پروردگار او را به بهترین و هدایت‌یافته‌ترین راه، رهنمون خواهد شد.

از شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمته نقل می‌کنند که هرگاه حکم مسئله‌ای بر او پوشیده می‌ماند و درست و نادرست آن برایش مشخص نمی‌شد، به پروردگار پناه می‌برد و او را التماس و زاری می‌کرد. گاهی به بعضی از مساجد قدیمی در بیابان پناه می‌برد و خود را به زمین می‌انداخت و پیشانی بر خاک می‌سایید و زبونی و فروتنی و خاکساری خویش را به پیشگاه پروردگار یکتا عرضه می‌کرد و می‌گفت:

«یا معلم ابراهیم علمنی، یا مفهم سلیمان فهمنی»

«ای معلم ابراهیم به من تعلیم ده. ای فهماننده‌ی سلیمان به من بفهمان.»

همینطور ادامه می‌داد تا خداوند مشکل او را حل می‌کرد و دری در برابرش می‌گشود؛ چرا که خداوند بسیار گشایشگر مشکل‌ها و بس داناست. می‌گفت: گاهی ذهنم در برابر مسئله‌ای یا چیزی یا حالتی که بر من مشکل بود، قفل می‌شد و حالت ایستایی پیدا می‌کرد؛ پس هزار بار یا بیشتر و کمتر از خداوند طلب مغفرت می‌کردم تا زمانی که خداوند به من شرح صدر می‌داد و ابهام آنچه که بر من پیش آمده بود، رفع می‌شد.

رسول خدا ﷺ می فرماید:

«أعجز الناس من عجز عن الدعاء وأبخل الناس من بخل بالسلام»^(۱).

«ناتوان ترین انسان کسی است که از دعا ناتوان شود و بخیل ترین انسان کسی است که از سلام دادن دریغ کند».

نیز رسول خدا ﷺ فرموده است:

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَسْتَجِيبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ وَالْكَرْبِ فَلْيُكْثِرِ الدُّعَاءَ فِي الرَّخَاءِ»^(۲).

«هرکسی دوست دارد که خداوند به هنگام سختی ها و مصیبت ها دعایش را اجابت کند، باید به هنگام خوشی به کثرت دعا کند».

(۱) - آلبنی، سلسلة الأحادیث الصحيحة (۶۰۱).

(۲) - همان، شماره (۵۹۳).

بعد از استخاره چه باید کرد؟

استخاره کننده بعد از آن سه کار بایست انجام دهد:

- ۱- کاری را که قبلاً به آن تمایل و شرح صدر پیدا کرده انجام دهد؛
- ۲- حتی اگر به موردی خاص قبلاً تمایل و شرح صدر نداشت، باز هم آن را انجام دهد؛

۳- اگر بین انجام دو کار دودل بود، مجدداً نماز بگزارد و استخاره کند و چنان خشوع و فروتنی کند و اصرار ورزد که هر جزئی از اجزای بدنش به خداوند تعلق پیدا کنند.

بخاطر داشته باشیم که ربط خواب با استخاره اشتباه است، و باید برای اصلاح و تصحیح آن اقدام شود. این اعتقاد عوامانه که استخاره حتماً در شب پیش از خواب باشد تا آنچه را که نیت کرده در خواب ببیند و خیر را از شر بشناسد، اعتقادی نادرست و بی پایه است؛ چرا که اساس شناخت خیر از شر و آنچه که لازم است بعد از استخاره انجام دهد، خود از عبارات دعا مشخص است. یعنی ما از خداوند خیر و خوبی می خواهیم و از او طلب می کنیم که خیر را برایمان آسان و خجسته گرداند و دل‌هایمان را به آن خشنود سازد و در قسمت شر از خداوند می خواهیم که آن را از ما دور سازد و ما را نیز از آن دور سازد و همیشه ما را به سمت خیر هدایت و راهنمایی کند، لذا بعد از استخاره به انتظار هدایت و حصول توفیق نشستن از جانب خداوند، آرمان و آرزوی ما است؛ شریعت هم همین قدر برای ما آورده است و مجاز نیستیم که بر آن چیزی دیگر بیفزاییم.

نبایست روزنه‌ای برای نفوذ شیطان به دل‌هایمان بگشاییم تا از سوی آن ما را مورد هجوم قرار دهد و با وسوسه‌ها و نیرنگ‌هایش تخم فساد و باورهای نادرست را در اذهان ما بکارد.

خداوند رحمت کند کسی را که گفته است: «کمال خیر و برکت فقط در پیروی از پیشینیان است و کمال شر و بدی فقط در غوطه‌ور شدن در بدعت‌ها و خرافه‌های پسینیان است».

خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [حشر: ٧].

«چیزهایی را که پیامبر برای شما آورده است اجرا کنید و از چیزهایی که شما را از آن باز داشته است دست بکشید و از خدا بترسید که خدا عقوبت سختی دارد».

از اینروست که رسول خدا ﷺ ما را از بدعت گذاری سخت منع کرده و فرموده است که بدعت گذاری از بدترین امور است. همیشه می گفت و مرتب در هر خطبه و درسی می فرمود:

«وإن شر الأمور محدثاتها، وکل محدثة بدعة، وکل بدعة ضلالة، وکل ضلالة في النار»^(۱).

«بدانید که بدترین امور چیزهای جدید در دین هستند و هر پدیده‌ی جدیدی [در دین] بدعت است و هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی در آتش جهنم است».

پرسش و پاسخ

۱- اگر برای کسی مشکلی پیش آمد و خواست در باره‌ی آن استخاره کند و وقت هم آنقدر نبود که بتواند هم نماز بگذارد و هم دعا کند، یا در حال سیر و سفر بود و وضو نداشت، آیا در چنین شرایطی دعای استخاره را بدون نماز می تواند بخواند؟

ج: اگر در حال سفر بود و نمی توانست از ماشین یا قطار و... پیاده شود، او می تواند با اشاره نماز بگذارد، سپس دعای استخاره‌ی را بخواند. اگر وقت تنگ بود و نماز گزاران و دعا باهم ممکن نبود، فقط به دعا اکتفا کند. اگر وضو نداشت و وضو گرفتن هم ممکن نبود یا به خاطر تنگی وقت یا بنابر علتی دیگر شرایط وسیله‌ی نقلیه هم طوری بود که نمی توانست نماز بگذارد، بدون نماز دعا کند. چون به اندازه‌ی توانش تلاش و عمل کرده است و خداوند به چیزی که در توان

(۱) - نسایی، ج ۳ / ۱۸۸؛ به شماره‌ی: (۱۵۷۸).

ما نیست، فرمان نمی‌دهد. اکنون دانستید که دعای استخاره و نماز برای آن، سنت است و درجه‌ی سنت هم پایین‌تر از فرض است، از اینرو، گزاردن نماز سنت داخل سواری، حتی اگر به سمت غیر قبله حرکت می‌کرد، جایز است. و به جای قیام هم می‌تواند بنشیند. مسلماً اگر این عمل را در فرایض بدون عذر انجام دهد نمازش باطل می‌شود. والله اعلم

۲- اگر کسی دعای استخاره را حفظ نبود چگونه استخاره کند؟

ج: با هر لفظی که می‌تواند از خداوند طلب خیر کند و نیازش را نام ببرد. اگر بگوید: «اللهم خیر لی واختر لی» بار الها خیر را به من عطا کن، خیر را برایم برگزین «واقدر لی الخیر حیث کان» خیر هر کجا که باشد آن را برایم میسر و مقدور گردان، بازهم درست است. خداوند قرائت سوره‌ی فاتحه و آیات دیگری را که خواندن آن در نماز واجب است، از ذمه‌ی افراد ناتوان ساقط کرده است و به جای آن می‌تواند تسبیح بخواند، حضرت ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند:

«إِذَا أَمَرْتُمْ بِأَمْرٍ فَأْتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ، وَمَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»^(۱).

«وقتی شما را به انجام کاری امر می‌کنم، آن را به اندازه‌ی توان‌تان انجام دهید و از آنچه که شما را باز می‌دارم از انجام آن دست‌نگه دارید».

آن شخص در این صورت هم به اندازه‌ی توانش عمل کرده است.

۳- شخصی دعای استخاره را بعد از نماز استخاره، بدون این که حمد و ثنای خدا گوید و یا بر رسول صلوات بفرستد، می‌خواند، آیا این حد برایش کافی است؟

ج: اصل این است که در آغاز و پایان هر دعایی، دعاکننده حمد و ثنای خدا گوید و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم صلوات بفرستد؛ چنانکه علی رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند:

(۱)- ترمذی سندش ضعیف است. این روایت را با وجود ضعف سندش برای افراد ناتوان بدین خاطر پیشنهاد کردم که امام احمد می‌گوید: حدیث ضعیف نزد من از رأی رجال بهتر است.

«کل دعاء محبوب حتی یصلی علی النبی ﷺ»^(۱).

«هیچ دعایی پذیرفته نمی‌شود، تا بر رسول خدا ﷺ درود فرستاده نشود». از سوی دیگر به خاطر تشابه با مؤمنانی که در بهشت هستند، ستایش کردن خدا در دعا مناسب است. خداوند از آنان خبر می‌دهد که می‌گویند:

﴿وَأَخْرَجُوا لَهُمْ أَنْ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [یونس: ۱۰].

«و ختم دعا و گفتارشان این است: ستایش پروردگار جهانیان را سزااست». در روایتی دیگر آمده است:

«كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِالْحَمْدِ لِلَّهِ فَهُوَ أَقْطَعُ»^(۲).

«هرکاری که با الحمد لله آغاز نشود، دم بریده و ناقص خواهد بود».

امام نووی رحمته می‌گوید: علماء بر استحباب گفتن الحمد لله و صلوات بر پیامبر در آغاز و پایان دعا اتفاق دارند، آثار و روایت در این باره زیاد و مشهورند. در باره‌ی دعای استخاره می‌گوید: آغاز دعای استخاره و ختم آن با الحمد لله و صلوات بر رسول الله ﷺ، مستحب است.

تنها چیزی که در باره‌ی استخاره تأکید شده است نماز استخاره است. اگر نماز استخاره را خواند، گویا به امر مطلوب جامه‌ی عمل پوشانده است؛ چون در سیاق حدیث استخاره، ذکر از ثنا و حمد برای خدا و درود بر پیامبر اکرم نیست. شاید بدین سبب در دعای استخاره از حمد و ثنا و درود یادی نکرده است که در نماز استخاره به اندازه‌ی کافی ثنا و حمد و سلام و درود وجود دارد و به همان بسنده کرده است، یا عدم ذکر آن به خاطر دلایلی عمومی است که مشروعیت ثنا و حمد و صلوات بر رسول الله ﷺ در هر دعایی از آنها افاده می‌شود. دیدگاه امام نووی متکی به همین دلیل اخیر است. فتوای شیخ عبدالعزیز بن باز رحمته نیز همین است. من نیز این حدیث پیامبر را ترجیح می‌دهم: رسول اکرم ﷺ به ابویوب انصاری رضی الله عنه فرمود:

(۱) - مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۱۶۰؛ سلسلة الاحادیث الصحیحة، شماره‌ی (۲۰۳۵).

(۲) - رک: نووی، الاذکار، روایت مرسل است.

«اَكْتُمُ الْخِطْبَةَ، ثُمَّ تَوَضَّأْ فَأَحْسِنِ وُضُوءَ، ثُمَّ صَلِّ مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكَ ثُمَّ اِحْمَدِ رَبَّكَ وَمَجِدْهُ»

«امر خواستگاری را در قلبت پنهان کن، سپس وضوی کامل بگیر، آنگاه هر چند که خداوند میسر کرده است نماز بگزار، سپس به حمد و تمجید پروردگارت پرداز»

سپس بگو:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ»^(۱).

«خدایا تو می‌تونی و من نمی‌توانم، تو می‌دانی و من نمی‌دانم، تو داننده‌ی غیب‌ها هستی.»

اگر روایت فوق صحیح باشد بر مشروعیت ثنا و حمد برای خدا بعد از نماز و پیش از استخاره صراحت دارد. والله اعلم.

۴- گروهی می‌خواهند از خداوند به صورت دستجمعی در باره‌ی امری طلب خیر کنند و همگی نماز استخاره را با جماعت می‌گزارند، آیا این کارشان صحیح است؟

ج: نماز استخاره و نوافل دیگر، جز مؤکده، با جماعت جایز است مشروط بر آن که بر انجام آن دلیلی باشد، مانند نماز تراویح.

امام بخاری در کتاب گرانسنگ خویش الجامع الصحیح بابی تحت عنوان «صلاة النوافل جماعة» بسته است. برای اثبات و تأیید جواز نوافل به صورت جماعت حدیث عتبان بن مالک را ذکر کرده است که او از رسول خدا ﷺ دعوت می‌کند در مکانی از خانه‌اش نماز بگزارد، تا برای او مسجد باشد. عتبان بن مالک می‌گوید: مکانی را که دوست داشتم در آنجا نماز بگزارم، به رسول خدا ﷺ نشان دادم و رسول خدا ﷺ در آن مکان ایستاد و الله اکبر گفت و ما پشت سر او صف بستیم. دو رکعت نماز نفل گزارد، سپس سلام داد و ما هم سلام

(۱) - امام احمد، طبرانی و ابن حبان. در سند حدیث عبدالله لهیعه وجود دارد. نام برده مختلف فیه است. امام احمد حدیث را با سندی دیگر روایت کرده است که تمامی رجال آن ثقه هستند. الفتح الربانی، ج ۵، ص ۴۹، مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۲۸۰.

دادیم. نیز ثابت شده است که آن حضرت ﷺ در خانه‌ی ام سلیم نماز گزارد و ام سلیم و فرزندش انس بن مالک پشت سر او اقتدا کردند.

امام مالک رحمته روایتی در کتاب المؤطا ذکر می‌کند که حضرت عمر رضی الله عنه نماز چاشت را با غلام خودش به صورت جماعت گزارده است. مثل همین روایت را امام شاطبی در الاعتصام ذکر کرده است.

وی افزوده است که اگر کسی گاهی در خانه‌اش نمازهای نفل را به صورت جماعت بگزارد هیچگونه اشکالی ندارد، همچنین از امام مالک جواز نمازهای نافله به صورت جماعت روایت شده است به شرطی که برای این کار اعلام عمومی نشود و مردم را برای آن دعوت نکنند.

امام نووی می‌گوید: ^(۱) نمازهای نافله بر دو قسم هستند:

۱- نمازهایی که سنت است آنها را با جماعت بگذارند، همانند نمازهای عیدین، کسوف، استسقاء و نماز تراویح، ما در نمازهای نافله‌ی دیگر مانند سنت‌های راتبه (مؤکده) همراه فرائض، نماز چاشت و نفل‌های مطلق برای آنها جماعت مستحب نیست، اگر اینها با جماعت گزارده شوند جایز است و نمی‌توان آن را مکروه نامید.

امام شافعی رحمته در دو کتاب مختصر البویطی و الربیع، تصریح کرده است که گزاردن نمازهای نفل به صورت جماعت هیچ اشکالی ندارد. دلیل جواز نمازهای نافله به صورت جماعت احادیث فراوانی است. در ادامه‌ی سخنانش می‌افزاید: طبق روایت ابن عباس، انس بن مالک، ابن مسعود و حذیفه ثابت است که اصحاب با پیامبر خدا نماز نافله را جماعت گزارده‌اند. همه‌ی روایات مزبور در صحیحین [بخاری و مسلم] موجودند، جز حدیث حذیفه که در مسلم است.

از خلاصه دلایل گذشته، چنین استنباط می‌شود که نماز استخاره به صورت جماعت، جایز است. گرچه به صورت انفرادی بهتر است. چه در حدیث استخاره صیغهی فرد به کار رفته است:

«إِذَا هُمْ أَحَدُكُمْ بِالْأَمْرِ فَلْيُرْكَعْ رَكَعَتَيْنِ»

می‌بینیم نگفت: إذا هممتم بالأمر فاركعوا، وقتی تصمیم کاری را گرفتید نماز بخوانید. افزون بر آن، هیچ روایتی از صحابه نیامده است که نماز استخاره را به صورت جماعت گزارده باشند. والله اعلم.

وصلی الله علی سیدنا محمد وعلی آله وصحبه وسلم

گلچینی از تشویق‌های پیامبر ﷺ در مورد دعا

رسول اکرم ﷺ فرموده است: «الدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ»^(۱).

«دعا عین عبادت است».

سپس تلاوت فرمود:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي

سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ [غافر: ۶۰].

«پرورگار شما می‌گوید: مرا به فریاد بخوانید تا از شما بپذیرم، کسانی که خود

را بزرگتر از آن می‌دانند که مرا به فریاد خوانند یقین بدانند خوار و پست داخل

دوزخ خواهند شد».

رسول خدا ﷺ فرموده است:

«لَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنَ الدُّعَاءِ»^(۲).

«هیچ چیزی نزد خداوند از دعا گرامی‌تر نیست».

نیز فرموده است:

«إِذَا تَمَنَّى أَحَدُكُمْ فَلْيَكْثِرْ فَإِنَّمَا يَسْأَلُ رَبَّهُ»^(۳).

«هرگاه یکی از شما چیزی آرزو کرد و از خداوند خواستار چیزی شد باید

زیاد بخواهد، چون او از پروردگارش سؤال می‌کند».

در روایتی دیگر آمده است:

«إِذَا سَأَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَكْثِرْ فَإِنَّمَا يَسْأَلُ رَبَّهُ»^(۴).

«هر وقت یکی از شما از خداوند چیزی سؤال کرد، باید زیاد سؤال کند، چون

از پروردگارش سؤال می‌کند».

حضرت انس رضی الله عنه از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:

(۱) - به روایت ترمذی. حدیث صحیح است.

(۲) - ترمذی، امام احمد، بخاری در الادب المفرد. حدیث حسن است.

(۳) - طبرانی در الاوسط. رجال سندش صحیح هستند.

(۴) - سلسله الاحادیث الصحیحة بشماره (۱۳۲۵).

«لَيْسَ أَلْأَحَدُكُمْ رَبُّهُ حَاجَتُهُ أَوْ حَوَائِجِهِ حَتَّى يَسْأَلَ شَيْعَ نَعْلِهِ إِذَا انْقَطَعَ حَتَّى يَسْأَلَ الْمَلْحَ»^(۱).

«حتماً شما نیاز و یا همه‌ی نیازهایتان را از پرورگارتان مسئلت کنید. حتی بند کفش‌تان را هنگامی که قطع شود، از او سؤال کنید و حتی نمک را از او مسئلت کنید».

حضرت عایشه رضی الله عنها می‌گوید:

«سَلُوا اللَّهَ كُلَّ شَيْءٍ حَتَّى الشَّيْعَ فَإِنَّ اللَّهَ إِنْ لَمْ يَيْسِرْ لَمْ يَتَيْسِرْ»

«از خداوند هر چیزی که نیاز دارید سؤال کنید، حتی بند کفش را، زیرا اگر خداوند آن را فراهم نکند میسر نخواهد شد».

حضرت ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

«مَنْ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ يَغْضَبْ عَلَيْهِ»^(۲).

«هرکس از خداوند مسئلت نکند حتماً بر او خشم خواهد گرفت».

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

«أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ»^(۳). «بهترین عبادت، دعا است».

اسامه بن زید رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

«سَلُوا اللَّهَ عِلْمًا نَافِعًا وَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ»^(۴).

«از خداوند علم سودمند مسئلت کنید و از علم غیر سودمند به او پناه برید».

حضرت عباده بن صامت رضی الله عنه می‌گوید: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

«مَا عَلَى الْأَرْضِ مُسْلِمٍ يَدْعُو اللَّهَ بِدَعْوَةٍ إِلَّا آتَاهُ اللَّهُ إِيَّاهَا أَوْ صَرَفَ عَنْهُ مِنَ السُّوءِ مِثْلَهَا مَا لَمْ يَدْعُ بِمَاتَمٍ أَوْ قَطِيعَةٍ رَحِمٍ. فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ إِذَا نُكِّثَ. قَالَ: اللَّهُ أَكْثَرُ»^(۵).

(۱) - به روایت بزار. رجال او رجال صحیح هستند به جز یسار بن حاکم که او نیز ثقه است.

مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۱۵.

(۲) - ترمذی، بخاری در الأدب المفرد، ابن ماجه. درجه‌ی حدیث حسن است.

(۳) - آل‌بانی، سلسله الأحادیث الصحیحة، (۱۵۷۹).

(۴) - همان بشماره (۱۵۱۱).

(۵) - ترمذی، امام احمد در مسند، حدیث صحیح است.

«هر مسلمانی در روی زمین از خداوند چیزی مسئلت کند، قطعاً به خواسته‌های وی ترتیب اثر خواهد داد، یا مشکلی همانند آن را از او دور خواهد کرد، به شرطی که دعایش منجر به گناهی و یا باعث قطع پیوند خویشاوندی نشود، یکی از حاضرین گفت: در این صورت بیشتر می‌خواهیم. فرمود: خداوند متعال هم بیشتر از آن می‌بخشد و بیشتر اجابت می‌کند».

حضرت عایشه رضی الله عنها می‌گوید از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می‌فرمود:
 «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ فِي سُجُودِهِ، وَإِذَا قَامَ يُصَلِّي فِي ثُلُثِ اللَّيْلِ الْآخِرِ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَذْكُرُ اللَّهَ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ فَكُنْ»^(۱).

«در سجده و همچنین در ثلث آخر شب بیش از هر زمان دیگر بنده با پروردگار خویش نزدیک است. اگر می‌توانستی از کسانی باشی که در این لحظه به ذکر و نیایش خدا می‌نشینند، پس از آنان باش».

حضرت ابودرداء رضی الله عنه می‌گوید: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمود:
 «دَعْوَةُ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ مُسْتَجَابَةٌ، عِنْدَ رَأْسِهِ مَلَكٌ مُوَكَّلٌ بِهِ كَلَّمَ دَعَا لِأَخِيهِ بِخَيْرٍ، قَالَ الْمَلَكُ الْمُوَكَّلُ بِهِ: آمِينَ وَلَكَ بِمِثْلِ»^(۲).

«دعای مسلمان برای برادر مسلمانش در غیاب او پذیرفته خواهد شد و بالای سر او فرشته‌ای مأمور است که هرگاه برای برادر خودش دعای خیر کند آن فرشته‌ی مأمور می‌گوید: آمین (قبول باشد) و برای خودت همچنین باد».

(۱) - ترمذی، ابن خزیمه آن را صحیح دانسته است، نسایی، حاکم، جامع الاصول، ج ۴، ص

(۲) - صحیح مسلم بشرح النووی، ج ۱۷، ص ۵۰.

پایان

آنچه گذشت، مروری سریع بود که با نماز و دعای استخاره پشت سر نهادیم. اما دریغا که بسیاری از مسلمانان این دو مورد را ترک کرده اند. اینان متأسفانه چهره‌ی پاکیزه‌ی شرع را با عادت‌ها و باروهایی که خدا و رسولش حرام کرده اند، آلوده ساخته اند.

در این مرور گذرا، مشاهده کردید کسانی را که از سنت پاک رسول خدا روی گردانند و به دنبال کاهنان، ساحران و شعبده بازان حرکت می‌کنند، پس زیان بزرگی می‌بینند.

دیدید که خواب‌ها و رؤیاها هیچ وقت بر مبنای شریعت و احکام نبوده و نیستند. این مسئله‌ی مورد اتفاق علمای مشهور و قابل اعتماد است.

در باره‌ی قرائت در نماز دانستید که هر مقداری از قرآن بعد از سوره‌ی فاتحه در نماز استخاره بخواند نیز درست است و قبل از همه چیز، روزی حلال باید مد نظر باشد. حضور قلب نیز الزامی است. سپس تجرد و یکسویی از حلو و قوه‌ی خویش و تبرا و دوری از هوای نفس و خواسته‌های آن، سپس استقبال قبله و تضرع و زاری و فروتنی و دل شکستگی و تکرار و اصرار در دعا خوب و پسندیده است.

همیشه زیانت را عادت بده که «یا رب» ورد آن باشد؛ چرا که خداوند دارای لحظات و ساعاتی است که در آن سؤال هیچ سؤال کننده‌ای را رد نمی‌کند و آرزومندی را ناامید نمی‌گرداند.

این است یافته‌های بنده در باره‌ی استخاره. از خداوند مسئلت می‌کنم که به بنده در برابر این رساله پاداش عنایت کرده و برای خواننده‌اش سودمند گرداند. اگر در آن خطا و اشتباهی است از جانب من و شیطان است و اگر در آن صوابی هست به خاطر توفیق و پشتیبانی خداوند سبحان است.

تنها او است هدایت‌گر به حق و به راه راست و صراط مستقیم. بی‌شک او بهترین دوست و یاور است. درود و سلام خداوند بر بنده‌اش خاتم پیامبران محمد ﷺ باد. **سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعَزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.**

دعا

حضرت حذیفه بن یمان رضی الله عنه می فرماید: بر مردم دورانی خواهد آمد که هیچکس در آن نجات نمی یابد، مگر کسی که دعایی مانند آدم غرق شده در آب، دعا کند.

«اللهم قد كثر الفساد في البر والبحر، وقل من يعرفك في الشدة والرخاء، ومن يدعوك وحدك في السراء والضراء، اللهم تب علينا ولا تملكننا بما صدر منا ولا تعذبنا بما فعل السفهاء منا»^(۱)

«بار الها! فساد در خشکی و دریا به اوج خود رسیده است و اندکند کسانی که تو را در سختی و خوشی بشناسند و اندکند کسانی که تنها تو را در خوشی و ناخوشی فرا خوانند. بار الها! به ما توفیق توبه عنایت کن و توبه‌ی ما را پذیرا باش و ما را به خاطر آنچه مرتکب شده ایم هلاک مگردان و به خاطر کارها و خطاهای نادانان، ما را عذاب مده.»

«والسلام»

(۱) - صفة الصفوة، ج ۱، ص ۳۱.

منابع مؤلف

قرآن کریم	۱	
ابن کثیر	تفسیر القرآن الکریم	۲
القرطبی	الجامع لأحكام القرآن	۳
ابوالفرج ابن الجوزی	زاد المسیر	۴
علامه آلوسی	روح المعانی	۵
حافظ ابن حجر عسقلانی	فتح الباری	۶
امام نووی	صحیح مسلم با شرح نووی	۷
منذری	مختصر صحیح مسلم	۸
مبارکپوری	عون المعبود	۹
ابن اثیر	جامع الأصول	۱۰
ترمذی	عارضه الأحوذی شرح ترمذی	۱۱
منذری	الترغیب والترهیب	۱۲
هیثمی	مجمع الزوائد	۱۳
قضاعی	مسند الشهاب	۱۴
ابن قدامة المقدسی	المغنی	۱۵
ابن حزم اندلسی	المحلی	۱۶
امام ابن تیمیه	الفتاوی	۱۷
امام نووی	المجموع شرح المهدب	۱۸
ابن القیم الجوزی	مدارج السالکین	۱۹
ابن القیم الجوزی	الجواب الکافی	۲۰
ابن القیم الجوزی	جلاء الأفهام	۲۱
ابن رجب الحنبلی	جامع العلوم والحکم	۲۲
علامه آلبنی	سلسلة الأحادیث الصحیحة	۲۳
امام شاطبی	الاعتصام	۲۴
امام شاطبی	الموافقات	۲۵

۲۶	نیل الأوطار	امام شوکانی
۲۷	شأن الدعاء	الخطابی
۲۸	فقه السنة	سید سابق
۲۹	الدين الخالص	محمود خطاب السبکی
۳۰	وصايا الرسول	طه عقیفی
۳۱	الفقه الواضح	محمد بكر اسماعیل
۳۲	حلیة الأولیاء	ابونعیم اصفهانی
۳۳	الفوائد	ابن القیم الجوزی
۳۴	فقه العبادات	استاد حسن ایوب
۳۵	علاج الأمور السحر من الشریعة الإسلامیة	ابوبکر حنبلی

← از دیرباز برای تشخیص خوب یا بدبودن کاری که تصمیم به انجام آن گرفته شده، روش‌های خاصی به کار می‌رود. امروزه فال حافظ و فال قهوه و استخاره گرفتن با قرآن از شیوه‌های متداول در میان مردم است. بدیهی است که این شیوه‌ها نمی‌توانند سرنوشت ما را رقم بزنند و یا ما را نسبت به وضعیت تصمیمی که گرفته ایم، آگاه کنند.

بهترین شیوه‌ای که در این باب از پیامبر ﷺ به ثبوت رسیده، استخاره است. چه خوب است به جای شیوه‌های خرافی استخاره، این شیوه که هم خردمندانه است و هم با موازین شرعی مطابقت دارد، در زندگی ما رایج شود.

نوشتار کم‌حجم اما آموزنده‌ای که پیش روی دارید، با همین هدف فراهم آمده است.